



دانشگاه، خانه مطالبه‌گری است
جلسه وزیر علوم با دانشجویان



دنبال تغییر حکومت ایران نیستیم
تشریح سیاست‌های ترامپ توسط نماینده او



خدا حافظی یغمایی
وداع کوروش یغمایی با دنیای موسیقی



کیش و مات کیش

ورود دادستان کیش به یک رویداد مردمی
با اعتراض هواداران جامعه مدنی روبه‌رو شد

یادداشت روز

خطای معیار طبقاتی

نقدی بر سخنان دکتر محمود سریع‌القلم



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

سخنان آقای دکتر سریع‌القلم در مورد اقشار محروم و نقش آنها در مدیریت اقتصاد و سیاست طی روزهای اخیر مورد بحث بوده است. برخی در این فاصله کوشیدند تا برای دفاع از ایشان، اصل سخنان ایشان را نادیده گرفته و بر اهمیت نقش «طبقه متوسط» متمرکز شوند و از «گروه‌های نخبه و برخوردار از دانش تجربه جهانی چشم و دل‌سیر، انضباط فکری و توانایی» سخن بگویند. منتقدان متهم به «حملات سیاسی مغرضانه و سازمان‌یافته علیه یک نظر علمی» و بی‌توجهی «به نیاز به نخبگانی کارآمد، شایسته، وطن‌دوست، مسئولیت‌پذیر، مستقل، باتجربه جهانی و آشنا با عقلانیت و حکمرانی مدرن» شده‌اند. از «چشم و دل‌سیر» که گزاره‌ای عامیانه و بی‌ارتباط با «نظر علمی» است که بگذریم، در درستی این گزاره‌ها بحثی نیست. اما سخنان آقای دکتر سریع‌القلم که موجب اعتراض شد، غیر از اینها بود. سخن ایشان با اینکه «فرد در کودکی آیا اتاق خاص خود را داشته یا نداشته» شروع می‌شود. اگر این معیار باشد، در گام اول اقلاً ۷۰ درصد مردم ایران از چرخه مدیریتی حذف می‌شوند. بعد ایشان می‌گویند: «کسی می‌تواند وارد سیاست و اقتصاد شود که حداقل از طبقه متوسط باشد». این سخنی است به‌غایت نادرست و ضدعلمی. آنجا هم که می‌گویند «بعضی وقت‌ها سیاه‌ها و اینها هم درخواست می‌کردند و از طبقات پایین بودند»، سخنی است که اگر در آمریکا گفته شود به‌عنوان سخنی نژادپرستانه مورد اعتراض قرار می‌گیرد. با توجه به آن عبارت «حداقل از طبقه متوسط» می‌توان معنی عبارت «هر کسی را نباید اجازه داد که وزیر شود»، فهمید. ایشان همچنین «شناخت دنیا» را به این یا آن «قشر اجتماعی» ربط می‌دهند که گزاره‌ای نادرست است.

لُب‌کلام ایشان در این فایل صوتی بدون تردید این است که کسانی که محرومیت و فقر مادی داشته‌اند به درد سیاست و اقتصاد نمی‌خورند. کسانی که این «لُب‌کلام» را مسکوت گذاشته و در دفاع از این سخنان از مهم بودن طبقه متوسط صحبت کرده‌اند، در واقع مغالطه کرده‌اند. اینکه طبقه متوسط خوب است و موتور توسعه است و موتور بسط دموکراسی در جوامع است و حاملان اصلی فرهنگ و مدنیت و ادب و هنر اکثراً از این طبقه هستند، محل بحث نیست و همه جریان‌های فکری در این مورد اتفاق‌نظر دارند. موضوع بحث این است که ایشان می‌گویند «کسانی که محرومیت کشیده‌اند، لیاقت قرار گرفتن در پست‌های مدیریتی را ندارند». این سخن نوعی نظام کاستی فاقد تحرک اجتماعی را تداعی می‌کند که حتماً ضدعلمی است.

قطعاً در هیچ کشوری در دنیا، خاستگاه طبقاتی افراد را مبنای سمت‌های حکومتی قرار نمی‌دهند. ایشان به‌عنوان استاد دانشگاه حتماً می‌دانند که برای پست‌های مدیریتی و ورود در کارهای دولتی باید ضوابط و قواعدی مبنای کار باشد و هر کس از جهت دانش و توانایی‌های فردی منطبق بر این ضوابط و قواعد بود باید بتواند، ارتقای موقعیت یابد و این هیچ ربطی به اینکه از کدام طبقه است و محرومیت کشیده یا نکشیده، ندارد. سمت‌های سیاسی نیز باید بستگی به اقبال و رأی مردم داشته باشد و تکلیف آنها باید در انتخابات‌های آزاد و منصفانه روشن شود. تکلیف اقتصاد هم که روشن است. اینکه می‌گویند «ریشه بسیاری از مشکلات امروز ما تو طبقه‌ای است که در کشور حاکم است»، نشان می‌دهد که به مشکلات جاری کشور واقف نیستند. مشکلات امروز به‌خاطر این نیست که طبقه‌ای که در کشور حاکم است قبلاً فرو دست بوده است. اولاً اکثر افراد موجود از طبقه محروم نیستند. ثانیاً ملاک و معیار برکشیده شدن هیچ‌گاه تعلق به طبقه محروم نبوده و معیارهای گزینش و ارتقا روشن است.

ادامه در صفحه ۲

وقت شجاعت است

۱۸۵ اقتصاددان و استاد دانشگاه از رئیس‌جمهور درخواست کردند:

بودجه‌های غیر مؤثر را حذف کنید

انجام اصلاحات اقتصادی نباید از مسیر افزایش فشار بر مردم و گروه‌های کم‌درآمد انجام شود



مسعود نیلی



محمد طبیبیان



مسعود روغنی‌زنجانی



طهماسب مظاهری



موسی غنی‌نژاد



محمد ستاری‌فر



ولی‌الله سیف

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

۱۸۵ تن از اقتصاددانان، استادان دانشگاه و پژوهشگران حوزه اقتصاد و علوم اجتماعی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت عدالت و شفافیت در نظام بودجه‌ریزی کشور، خواستار اصلاح سمت هزینه‌های بودجه همزمان با اصلاحات اقتصادی شدند. در میان امضاکنندگان این نامه، نام چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون مسعود نیلی، سیدمحمد طبیبیان، موسی غنی‌نژاد، محمد مهدی بهکیش، حسن درگاهی، داود سوری، مسعود روغنی‌زنجانی، محمد ستاری‌فر، طهماسب مظاهری، ولی‌الله سیف، حسین عبده‌تبری، پیروز حناچی، عباس آخوندی، فرهاد نیلی، اکبر کمبجانی و ولی‌الله افخمی‌راد به چشم می‌خورد. امضاکنندگان این نامه با اشاره به سابقه تاریخی بودجه‌ریزی در ایران و آرمان‌های جنبش مشروطه، تأکید کرده‌اند که از نگاه مشروطه‌خواهان، بودجه صرفاً ابزاری برای جمع‌آوری و توزیع منابع نبوده بلکه ابزاری برای «رعایت انصاف، عدالت و عقلانیت در جمع درآمد و هزینه‌کرد آن برای خیر عمومی» محسوب می‌شده است. به باور نویسندگان نامه، فاصله گرفتن از این اصل تاریخی به معنای نادیده گرفتن حقوق ملت به‌عنوان صاحبان اصلی منابع عمومی است.

اقتصاددانان امضاکننده با تأکید بر ضرورت انجام اصلاحات اقتصادی، تصریح کرده‌اند که اجرای این اصلاحات نباید صرفاً از مسیر افزایش فشار بر مردم، به‌ویژه گروه‌های کم‌درآمد، انجام شود. آنان خواستار آن شده‌اند که اصلاحات قیمتی، از جمله در حوزه انرژی حتماً با کاهش هزینه‌های غیرکارا، حذف ردیف‌های فاقد توجیه و اصلاح سمت هزینه‌های بودجه حکمرانی همراه باشد. در این نامه آمده است که در شرایط دشوار

معیشتی کنونی، پرسش مشروع و طبیعی مردم این است که «منابع حاصل از اصلاحات اقتصادی دقیقاً کجا و چگونه هزینه می‌شود؟» نویسندگان تأکید کرده‌اند که شفاف‌سازی در این زمینه پیش‌شرط جلب اعتماد عمومی و همراهی جامعه با سیاست‌های اصلاحی است. امضاکنندگان با اشاره به تأکیدهای پیشین رئیس‌جمهور بر لزوم بودجه‌ریزی عملیاتی و حذف ردیف‌های ناکارآمد، خواستار آن شده‌اند که این رویکرد در عمل اجرایی شود و نتایج آن به‌طور ملموس در بودجه قابل مشاهده باشد. به باور آنان همان‌گونه که مردم ناچار به پذیرش هزینه‌های اصلاحات هستند، دولت نیز باید شجاعت کاهش یا حذف هزینه‌های پرهزینه، کم‌اثر و فاقد بازده اجتماعی را از خود نشان دهد.

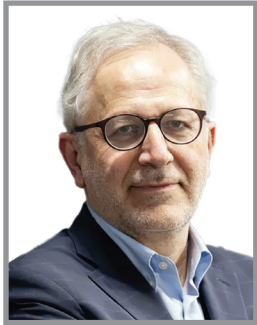
امضاکنندگان در بخش پایانی نامه، سه مطالبه مشخص را به‌عنوان نقطه شروع اصلاح بودجه سال آینده مطرح کرده‌اند:

- حذف بودجه نهادها و فعالیت‌هایی که فاقد نقش مؤثر در ارائه خدمات عمومی هستند و توجیهی برای استفاده از منابع عمومی ندارند.
- شفاف‌سازی کامل بودجه و تبدیل خزانه دولت به «اتاق شیشه‌ای» از طریق انتشار گزارش‌های مستمر درباره ردیف‌های حذف‌شده، تعدیل‌شده و نحوه مصرف منابع حاصل از اصلاحات.
- کاهش قاطع بودجه سازمان‌ها و نهادهایی که سطح خدمات آنها تناسبی با منابع کلان دریافتی ندارند. امضاکنندگان در پایان تأکید کرده‌اند که مطالبه آنها صرفاً اقتصادی نیست بلکه درخواستی اخلاقی و ملی است و خاطر نشان کرده‌اند که اگر مردم قرار است، سختی بیشتری را تحمل کنند باید مطمئن شوند که دولت و ساختار حکمرانی نیز به همان میزان، بار اصلاحات را بر دوش می‌کشند.

ادامه در صفحه ۶



حسین عبده‌تبریزی



فرهاد نیلی



داوود سوری



محمد مهدی بهکیش



حسن درگاهی



عباس آخوندی

دیدگاه

قصد بی‌احترامی نداشتیم

عذرخواهی عبدالرحیم سلیمانی اردستانی



گروه سیاسی: عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، استاد بازنشسته دانشگاه مفید روز گذشته در پیامی ویدئویی ضمن تأکید بر پابیندی‌اش به حرمت شخصیت‌های مقدس، بابت برداشت‌هایی که از یکی از مناظره‌های اخیرش ایجاد شده بود، عذرخواهی کرد و گفت هرگز قصد بی‌احترامی نداشته است.

سلیمانی اردستانی در پیام ویدئویی خود که در صفحه اینستاگرامش منتشر شد، توضیح داد: «این روزها به دلیل اینکه من یک مناظره‌ای انجام دادم، برادران عزیزی گمان کردند یا کسانی به اشتباه‌شان انداختند و گمان کردند که من جسارتی محضر پیشگاه حضرت زهرا(س) انجام دادم؛ در حالی که اصلاً چنین چیزی را بنده انجام ندادم. حتی من به عزیزان عرض می‌کنم که اصلاً بحث من شهادت یا عدم شهادت آن حضرت نبوده و من وارد این بحث نمی‌شوم؛ به دلیل اینکه متخصص تاریخ باید واردش شود. من کار تخصصی آنجانی در تاریخ نداشتم. عرض این بوده که داستانی که روضه‌خوان‌ها درباره شهادت حضرت زهرا می‌خوانند، عدالت حضرت علی(ع) را زیرسوال می‌برد و در این مورد شک دارم. بنابراین، من هرگز وارد این بحث نشدم که آیا حضرت زهرا شهید شده یا نشده. اگر سختم به‌گونه‌ای بوده که عزیزانم خیال کردند که من چنین کاری را کردم یا بیانم اشتباه بوده و چنین برداشتی شده، از همه عزیزان عذرخواهم ولی تأکید می‌کنم هرگز چنین کاری را انجام نداده‌ام».

عبدالرحیم سلیمانی اردستانی پژوهشگر دینی، استاد بازنشسته دانشگاه مفید و عضو سابق مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم است. او در سال‌های اخیر فعالیت‌های علمی خود را بیشتر بر مطالعات اسلامی و تاریخ و مباحث کلامی متمرکز کرده و به گفته خودش، انگیزه اصلی‌اش از ورود به برخی مباحث تاریخی، تلاش برای «بازخوانی علمی روایت‌ها» و گشودن امکان گفت‌وگوی پژوهشی در حوزه مسائل اعتقادی است.

مناظره مورد بحث او، بحثی پژوهشی در حوزه تاریخ و روایت‌های مربوط به یکی از رویدادهای صدر اسلام بود. اما بخش‌هایی از اظهارات اردستانی در این مناظره توسط برخی مخاطبان توهین‌آمیز تلقی شد؛ هرچند او در پیام ویدئویی تأکید کرده است که نه تنها قصد چنین کاری نداشته بلکه موضوع مناظره نیز نقد یک روایت تاریخی بوده نه اظهارنظر درباره مقام و قداست شخصیت‌های مذهبی.

با انتشار این مناظره در فضای مجازی، موج گسترده‌ای از واکنش‌ها در فضای عمومی و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت. برخی با ادبیاتی تند خواستار پیگیری قضایی و برخورد شدید بودند. در مقابل، گروهی از کاربران معتقد بودند، نقد علمی و بررسی تاریخی باید آزاد باشد و نباید هر پرسش را بی‌احترامی تلقی کرد. ماجرا اما به فضای مجازی محدود نماند و واکنش‌ها از سوی چهره‌های مذهبی، سیاسی و نهادهای رسمی ادامه پیدا کرد. برخی مراجع و روحانیون سنتی، اظهارات او را غیرقابل قبول دانستند. برای نمونه علیرضا سنجرى اراکی در فتوایی اعلام کرد که انکار برخی باورهای تاریخی مرتبط با فضائل اهل‌بیت می‌تواند، فرد را از اصول مذهب خارج کند. محمدعلی امانی، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی صراحتاً خواستار برخورد قضایی، خلع لباس و محکومیت رسمی او توسط دادگاه ویژه روحانیت شد. بخش‌هایی از رسانه‌ها و مداحان نیز با لحنی تند به انتقاد از اردستانی پرداختند و او را متهم به طرح مباحثی دانستند که می‌تواند منجر به ایجاد تردید در اعتقادات دینی شود. سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق نیز بدون ورود به جزئیات بحث اظهارات اردستانی را «غیرمؤدبان» توصیف کرد.

واکنش‌ها به این مناظره نشان داد که چنین موضوعاتی برای بخش بزرگی از جامعه صرفاً یک بحث تاریخی نیست بلکه به هویت اعتقادی بسیاری گره خورده است. به همین دلیل هم روش طرح بحث در این موضوعات که ریشه در باورهای عمیق دینی و هویتی مردم دارد به‌اندازه خود محتوا اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین اگرچه نقد تاریخی و پژوهش علمی حق طبیعی پژوهشگران است، اما ورود به حوزه‌هایی که برای بسیاری «قدسی» و هویت‌ساز است، نیازمند دقت، احتیاط و درک حساسیت‌های فرهنگی است زیرا یک برداشت اشتباه می‌تواند، واکنش‌های گسترده‌ای را به‌دنبال داشته باشد.

دانشگاه، خانه مطالبه‌گری است

جلسه وزیر علوم با دانشجویان



عاطفه شمس

گروه سیاسی

فضای سال‌های اخیر دانشگاه‌ها در ایران زیر سایه مطالبات صنفی، چالش‌های معیشتی، محدودیت‌های گفت‌وگو و نقد، مهاجرت نخبگان و بحران‌های ساختاری آموزش عالی با پرسش‌ها و گلابه‌های جدی روبه‌رو بوده است. در چنین فضایی نشست سه‌ساعته وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با دانشجویان دانشگاه‌های استان آذربایجان‌شرقی در آستانه ۱۶ آذر روز دانشجو تلاشی برای بازگشایی پنجره‌ای بر یک اصل فراموش شده یعنی ضرورت گفت‌وگو بود. حسین سیمایی‌صراف در این نشست که در تالار وحدت دانشگاه تبریز برگزار شد، «گفت‌وگو» را تنها راه پیش‌روی دانشگاه ایرانی دانست و تأکید کرد که بدون اخلاق و عدالت نه دانشگاه معنا دارد و نه حکمرانی علمی شکل می‌گیرد. این نشست همچنین فرصتی شد تا وزیر علوم ضمن پاسخ به پرسش‌ها و تندهای دانشجویان به بررسی نقش دانشگاه و دانشجو در توسعه علمی و اجتماعی کشور پرداخته و چشم‌انداز خود را برای ارتقای نقش دانشگاه در حکمرانی علمی و توسعه کشور تشریح کند. مسائل دانشگاه و نسبت اخلاق، عدالت و حکمرانی علمی نیز سه کلیدواژه‌ای بود که وزیر علوم، آنها را «هویت دانشگاه ایرانی-اسلامی» خواند. وی همچنین آمار نگران‌کننده‌ای از کاهش بودجه آموزش عالی، بودجه پژوهشی و حقوق و دستمزد اساتید دانشگاه ارائه کرد و گفت: بودجه آموزش عالی کشور تا چند سال قبل ۸/۳ اعتبارات کل کشور بوده که امروز ۲/۲ شده است.

دانشگاه؛ خانه مطالبه‌گری، نه تماشاگر مشکلات کشور

وزیر علوم در آغاز سخنانش، دانشگاه را «جایگاه بحث منطقی و طرح دشوارترین مسائل» دانست؛ تعریفی که آشکارا فاصله می‌گیرد از دانشگاهی که صرفاً مصرف‌کننده برنامه‌های دولتی یا تماشاگر مشکلات کشور باشد. او تأکید کرد: «دانشگاه محل گفت‌وگو است؛ جایی برای مطالبه از زمامداران و ارتقای حکمرانی». اما این مطالبه‌گری، به روایت او، بدون اخلاق امکان‌پذیر نیست.

سیمایی‌صراف با بیان اینکه گفت‌وگو پایه تعاملات اجتماعی است و بی‌توجهی به شیوه‌های صحیح آن، مانع شنیدن سخن یکدیگر می‌شود، تصریح کرد: «دانشگاه باید جایی باشد که دانشجویان نه‌تنها دانش علمی کسب کنند بلکه مهارت‌های اخلاقی و فرهنگی ازجمله انصاف و عدالت را نیز تمرین کنند». او با تأکید بر اینکه پیامبر اسلام با صفت «أخلاق عظیم» توصیف شده و قرآن بر «جدال احسن» و «خوب‌گوش دادن» تأکید دارد، گفت که تلاش می‌کند «برای دانشجویان گوش شنوا» باشد. او نقد را حق دانشجو دانست اما یادآور شد که راه نقد نیز باید از مسیر عدالت بگذرد: «اگر گلابه و انتقادی هست نباید از جاده عدالت خارج شود». به باور او دانشجوی انقلابی و قرآنی قبل از هر چیز باید «شخصیتی اخلاقی» داشته باشد سپس با کوشش علمی خود به سرمایه‌ای برای کشور بدل شود. تأکید وزیر علوم بر اخلاق و عدالت، نشان‌دهنده نگاه یکپارچه او به دانشگاه به‌عنوان محیطی است که هم رشد علمی و هم تربیت انسانی را به‌طور هم‌زمان دنبال می‌کند.

بحران حکمرانی علمی

یکی از بخش‌های مهم سخنان سیمایی‌صراف، موضوع حکمرانی علمی بود. وی با بیان اینکه «ما در چند دهه پس از انقلاب، حاکمان عالم داشته‌ایم اما حکمرانی علمی نداشته‌ایم» اظهار کرد که دانشگاه باید محور تصمیم‌گیری‌های علمی و حل مسائل کشور باشد. به باور او، حکمرانی علمی یعنی التزام عملی به یافته‌های دانشگاه در حل مسائلی چون آب، هوا، اعتیاد،

ادامه یادداشت روز



را «افتخار بزرگ» نظام دانست و گفت که این دانشگاه، آموزش عالی را به «محروم‌ترین نقاط کشور» برده و فرصت برابر آموزشی را فراهم کرده است. سیمایی‌صراف همچنین به ارتباط نزدیک دانشگاه‌ها با بخش تولید اشاره کرد. به گفته او «دانشگاه‌های دولتی با حدود ۱۴ هزار واحد صنعتی همکاری دارند و ۵۸ پارک علم و فناوری فعال هستند». این شرکت‌ها سالانه حداقل ۵۰ هزار محصول تولید می‌کنند که بخشی از آنها محصولات تحریمی است و گردش مالی چند صد همتی ایجاد می‌کنند. رقمی که به گفته وزیر در شرایط سخت اقتصادی، معنای مهمی دارد و نشان‌دهنده نقش دانشگاه در تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی برای حل مشکلات اقتصادی کشور است. این نگاه به عدالت آموزشی، تکمیل‌کننده روایت وزیر درباره ضرورت «دیگری‌پذیری» در فضای دانشگاهی بود. او گفت: «دیگری‌ستیزی ضد رشد و پیشرفت و مغایر با فرهنگ ایرانی- اسلامی است» و تبریز را - با سابقه دانشگاه بین‌المللی ربع رشیدی- سزاوار «دیگری‌پذیری» بیشتر دانست.

مسیر آینده دانشگاه‌ها

با وجود تنوع موضوعات، پیام اصلی وزیر علوم در این نشست این بود که بدون گفت‌وگو هیچ مسیری ممکن نیست. این تأکید از آن جهت اهمیت دارد که بخش قابل‌توجهی از انتقادات دانشجویان در سال‌های اخیر نه متوجه محتوای سیاست‌ها بلکه متوجه «نبود کانال‌های گفت‌وگو» بوده است. وی همچنین از لزوم ارتقای حکمرانی علمی و استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه برای حل مشکلات ملی، اهمیت عدالت آموزشی و توسعه فرصت‌های علمی برای همه دانشجویان و توجه به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش برای ایجاد راهکارهای عملی و مستند برای مدیریت آنها سخن گفت. علاوه بر این، وزیر علوم با تأکید بر ارتباط دانشگاه با صنعت، تولید دانش‌بنیان و حمایت از پژوهش‌های کاربردی، مسیر توسعه علمی کشور را روشن‌تر کرد.

دانشجویان نیز در این نشست پرسش‌ها و تندهای خود را بی‌پرده مطرح کردند؛ از وضعیت صنفی تا ساختار دانشگاه، عدالت آموزشی، فرآیندهای اجرایی و مسائل کلان کشور. وزیر علوم هم تلاش کرد، نشان دهد که قصد دارد این نقدها را بشنود و در قالب «حکمرانی علمی» به آنها پاسخ دهد؛ هرچند روشن است که بخش مهمی از مشکلات، خارج از اختیار وزارت علوم است و نیازمند اراده‌ای کلان‌تر در سطوح حکمرانی کشور. با این حال، وزیر علوم با ارجاع به تاریخ دانشگاه، آموزه‌های دینی و تجربه چهل‌چند ساله آموزش عالی، تأکید کرد که راه آینده نه در تقابل که در «شنیدن»، «گفت‌وگو کردن» و «به‌کارگیری خرد جمعی» است.

آسیب‌های اجتماعی و طلاق. او یادآوری کرد: «دانشگاه‌ها حتی ۷۰ سال پیش درباره بحران آب هشدار داده بودند»، اما هشدارها جدی گرفته نشد. سیمایی‌صراف تأکید کرد که اگرچه علم نیز خطا دارد اما «ضرب خطای آن بسیار کمتر از تصمیمات فردی است». وزیر علوم با صراحت از برخی مشکلات ساختاری آموزش عالی سخن گفت؛ مسائلی که در سال‌های اخیر بارها محل نقد دانشجویان و استادان بوده است. او اذعان کرد که شیوه کنونی جذب اعضای هیات علمی «به جذب بهترین‌ها و شایستگان نمی‌انجامد» و از بازنگری مستند در این فرآیند خبر داد؛ موضوعی که می‌تواند، مناقشات گسترده‌ای در میان دانشگاهیان ایجاد کند. سیمایی‌صراف از احتمال حذف این آزمون برای دانشجویانی با معدل بالای ۱۸ یا دارای مقاله علمی‌پژوهشی سخن گفت؛ تغییری مهم برای کاهش فشارهای آموزشی و هزینه‌های تحصیلی. او همچنین مهاجرت سرمایه انسانی را یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور دانست؛ چالشی که به گفته او با کمبود منابع مالی تشدید شده است. وی از کمبود بودجه پژوهشی گلابه و همچنین آمار نگران‌کننده‌ای از کاهش بودجه آموزش عالی، بودجه پژوهشی و حقوق و دستمزد اساتید دانشگاه ارائه کرد و گفت: بودجه آموزش عالی کشور تا چند سال قبل ۸/۳ اعتبارات کل کشور بوده که امروز ۲/۲ شده است. بعد از گذشت ۱۲ سال به رغم اینکه ماموریت‌ها و مسئله‌ها بیشتر شده و پارک‌های علم و فناوری دایر شده، بودجه آموزش عالی ایران به ۷۰۰ هزار دلار رسیده است. وزیر علوم درنهایت بر ضرورت جذب سرمایه تحقیق و توسعه از صنعت تأکید کرد. این سخن در شرایطی مطرح می‌شود که دانشگاه‌ها با وجود سهم ناچیز از بودجه عمومی، بار عمده‌ای از تولید علم، نوآوری و حوزه فناوری را به دوش می‌کشند؛ حوزه‌ای که به‌گفته وزیر، سالانه «دهها هزار محصول فناورانه» تولید می‌کند، ازجمله ۲۰۰ محصول تحریمی.

وزیر علوم در ادامه اعلام کرد که برای انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی و هنری و سایر نهادهای دانشجویی «بودجه‌ای شفاف و عادلانه» در نظر گرفته شده است. وی همچنین به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد که مستقیماً با منابع مالی مرتبط هستند مانند مسائل صنفی، آلودگی هوا و مهاجرت سرمایه انسانی و تأکید کرد که با وجود این محدودیت‌ها، دولت ۲۰ هزار میلیارد تومان برای رفاه دانشجویان، ازجمله تغذیه ارزان‌قیمت، اختصاص داده است. یکی دیگر از محورهای تکرارشونده سخنان وزیر، عدالت آموزشی بود. وزیر علوم با یادآوری خدمات گسترده جمهوری اسلامی در زمینه گسترش عدالت آموزشی گفت که ایجاد دانشگاه‌های دولتی و ارائه آموزش رایگان در کنار حمایت‌های رفاهی از دانشجویان، دستاوردهای بزرگی است. او دانشگاه پیام‌نور

بین اشرافیت قاجار و پهلوی کم داشتیم؟ فساد هیچ ربطی به طبقه و قشر اجتماعی و مانند اینها ندارد. آقای دکتر اگر با «طبقه‌ای که الان در کشور حاکم است» مشکل دارند این مشکل خود را نباید به‌نحوی بی‌پایه توزیرزه کرده و به‌نحوی بغض‌آلود به حدود ۶۰ درصد از مردم این کشور و همه فرودستان عالم تسری دهند. به‌علاوه، ایشان برای این تئوری‌سازی هیچ مستند عملی هم جز همان تست وردی دانشگاه‌شان ارائه نکرده‌اند. برای دفاع از این سخنان نیز نباید پای «طبقه متوسط» و «الیت کارآمد و وطن‌پرست» را پیش کشید. مردم طبقه فرودست هم می‌توانند «الیت کارآمد و وطن‌پرست» بشوند.

بوده یا نبوده، ندارد. ما همان قدر دزد از طبقه متوسط و مرفه داریم که از طبقه محروم. جیمز کالاهان که نخست‌وزیر انگلیس بود و مادرش با رختشویی بزرگش کرده بود و در ۵ سالگی به‌خاطر فقر ترک‌تحصیل کرد، یکی از سیاستمداران معتبر و بسیار خوشنام انگلیسی شد. جان میجر هم همینطور. در مقابل، رضاشاه را هم داشتیم که از طبقه محروم بود و وقتی به‌قدرت رسید، حرص و ولع عجیبی برای تملک املاک مردم داشت. آیا دزد و اختلاسگر در

خطای معیار طبقاتی

ایشان می‌گویند «کسانی که امروزه تصمیم می‌گیرند اکثراً به‌دنبال جریان محرومیت‌های گذشته هستند». معنا و مفهوم این حرف این است که اگر کسانی از طبقه محروم کاره‌ای شوند به فساد آلوده خواهند شد. این نیز سخنی به‌غایت نارواست. دزدی و اختلاس ... برمی‌گردد به اخلاق و خصائص فردی و مهم‌تر از آن برمی‌گردد به شرایط اجتماعی و سیاسی و اداری و میزان حاکمیت قانون. مفسد شدن فرد هیچ ربطی الزاماً به اینکه در بچگی فقیر



سال هشتم شماره ۲۱۳۱
یکشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

اعتراض به بغداد

آمریکا از لغو تصمیم عراق علیه گروه‌های مقاومت انتقاد کرد



۶۱ سال ۲۰۲۵ کمیته مسدودسازی اموال تروریست‌ها انجام شد؛ تصمیمی که در شماره ۴۸۴۸ روزنامه رسمی عراق در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵ منتشر شده بود. به گفته دفتر نخست‌وزیر، این تصمیم شامل متونی بوده که «بازتاب‌دهنده واقعیت نبوده» و عراق تنها با درخواست مالزی برای مسدودسازی دارایی‌های مرتبط با داعش و القاعده موافقت کرده است؛ نه بیشتر.

دولت عراق در این اطلاعیه تأکید کرد که مواضع سیاسی و انسانی‌اش در قبال تجاوز علیه مردم لبنان و فلسطین، اصولی و ثابت بوده و قابل معامله نیست و این مواضع بازتاب‌دهنده اراده ملت عراق در حمایت از حق ملت‌های منطقه برای آزادی و زندگی شایسته است.

در روابط خود با بازیگران مختلف حفظ کند. این در حالی است که گروه‌های مقاومت در منطقه، اقدامات خود را در چارچوب دفاع از منافع ملی و مقابله با اشغالگری و مداخله‌های خارجی انجام می‌دهند. با ادامه تنش‌ها در منطقه، به نظر می‌رسد که فشار آمریکا بر عراق و دیگر کشورهای منطقه برای محدود کردن فعالیت‌های گروه‌های حزب‌الله و انصارالله ادامه خواهد یافت.

پیش از این کمیته مسدودسازی اموال در بانک مرکزی عراق به اشتباه نام حزب‌الله لبنان و جنبش انصارالله یمن را در لیست «گروه‌های تروریستی» قرار داده بود.

بدنبال این مسئله (محمد شیاع السودانی) نخست‌وزیر عراق دستور داد، تحقیقی فوری درباره خطای رخ داده در تصمیم شماره

انجام حملات استفاده نمی‌شود. وی همچنین تصریح کرد، آمریکا فشار بر عراق را برای اتخاذ اقدامات ملموس علیه فعالیت نیروهای مقاومت که منافع آمریکا و عراق را تهدید می‌کنند، ادامه خواهد داد. این موضع‌گیری آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که تنش‌ها در منطقه به‌ویژه پس از جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه و حملات متقابل گروه‌های مقاومت علیه این رژیم افزایش یافته است. آمریکا و متحدانش تلاش می‌کنند تا فشار بر گروه‌های حزب‌الله و انصارالله را در منطقه افزایش دهند.

عقب‌نشینی عراق از تصمیم اولیه خود می‌تواند نشان‌دهنده فشار داخلی و منطقه‌ای بر دولت این کشور باشد. عراق در سال‌های اخیر تلاش کرده تا تعادلی بین روابط خود با آمریکا و ایران حفظ کند، امری که گاهی اوقات به چالش‌های سیاسی و امنیتی منجر شده است.

آمریکا بارها گروه‌های مانند «حزب‌الله لبنان» و «انصارالله یمن» را به‌عنوان تهدید برای منافع خود و متحدانش در منطقه معرفی کرده و تلاش کرده است از طریق تحریم‌ها و فشار سیاسی، فعالیت‌های این گروه‌ها را محدود کند.

این موضع‌گیری آمریکا در حالی است که عراق به چالش‌های داخلی و منطقه‌ای متعددی مواجه است و تلاش می‌کند، تعادل را

گروه بین‌الملل: سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز شنبه در گفت‌وگو با شبکه ام‌تی‌وی اظهار کرد که واشنگتن از عقب‌نشینی عراق در تصمیمش برای مسدودسازی دارایی‌های حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن «ناامید» است. وی مدعی شد که این گروه‌ها «تهدیدی برای منطقه و جهان» هستند.

ماجرا از آنجا آغاز شد که خبرگزاری رویترز به نقل از روزنامه رسمی «الوقائع العراقية» در عراق خبر داد که دولت این کشور تصمیم گرفته است، منابع مالی ۲۴ شخص و نهاد ازجمله حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن را مسدود کند. در پی این ماجرا افکار عمومی در عراق دولت نخست‌وزیر محمد شیاع سودانی را متهم کردند که در برابر فشار آمریکا بر گروه‌های وابسته به «محور مقاومت» تسلیم شده است. با این حال شورای وزیران عراق ساعاتی بعد از انتشار خبری درباره درج نام حزب‌الله و انصارالله یمن در میان گروه‌های تروریستی و پس از واکنش منفی گسترده در افکار عمومی این کشور، این تصمیم را لغو کرد.

در واکنش به این اقدام سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در ادامه اظهارات مداخله‌جویانه گفت، تمام کشورها باید اطمینان حاصل کنند که از خاک خود توسط نیروهای مقاومت برای اهدافی مانند آموزش، جمع‌آوری اموال، دستیابی به سلاح یا

دیپلماسی

دنبال تغییر حکومت ایران نیستیم

تام باراک سیاست‌های ترامپ در قبال ایران را تشریح کرد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

گفت‌وگوی اخیر «تام باراک»، فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور سوریه و سفیر آمریکا در ترکیه، تصویری روشن از تغییر پارادایم در سیاست خارجی دولت ترامپ نسبت به خاورمیانه به‌ویژه ایران ترسیم می‌کند؛ تغییری که نه‌تنها بر رویکرد عدم مداخله مستقیم و مخالفت با «تغییر رژیم» تکیه دارد بلکه آن را با درکی تازه از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قدرت آمریکا پیوند می‌زند. باراک در این گفت‌وگو براساس تجربیات خود در سیاستگذاری واشنگتن، مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها و هشدارها را ارائه می‌دهد که در کنار انتشار «سند به‌روز شده راهبرد امنیت ملی آمریکا»، معنای دقیق‌تری به تحولات اخیر می‌بخشد.

نه به تغییر رژیم

باراک تأکید می‌کند که دولت ترامپ برخلاف تصورات رایج در پی تغییر رژیم در ایران نیست. او با اشاره به تجربه تاریخی آمریکا می‌گوید: «از سال ۱۹۴۶ تاکنون واشنگتن در ۹۳ طرح کودتا یا تغییر رژیم حضور داشته و همه آنها با شکست مواجه شده‌اند». این بیان صریح علاوه بر نفی نگاه مداخله‌گرایانه حاوی نوعی اعتراف به شکست استراتژیک در دهه‌های گذشته است؛ به‌ویژه در مورد ایران که به تعبیر او «دو بار» تلاش برای مداخله در ساختار سیاسی‌اش، نتیجه‌ای پایدار نداشته است. نکته مهم‌تر آنکه باراک تأکید می‌کند ترامپ، وزیر خارجه‌اش و سناتور مارکو روبرو بر خلاف برخی جریان‌های تندرو جمهوری خواه، نه‌تنها به‌دنبال تغییر نظام سیاسی ایران نیستند بلکه حل مسائل منطقه‌ای را «مسئولیت بازیگران منطقه‌ای» و نه واشنگتن می‌دانند. او حتی می‌گوید، این موضوع «بیش از هر چیز به اسرائیل مربوط است، نه آمریکا» که نشان‌دهنده، انتقال بخشی از بار مسئولیت امنیتی از واشنگتن به تل‌آویو است.

خاورمیانه از نگاه ترامپ

باراک عملکرد ترامپ را در پایان دادن به «جنگ ۱۲ روزه» یک اقدام «تاریخی» می‌خواند؛ اما در عین حال تأکید می‌کند که نباید رئیس‌جمهوری آمریکا را مسئول تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی منطقه دانست. در واقع، پیام او روشن است: سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ، بازتعریفی از «حد و مرز دخالت» را تجربه می‌کند.



است. سندهمچنین به تأثیر مجموعه‌ای از اقدامات ازجمله عملیات اسرائیل و «جکشن نیمه‌شب» ترامپ علیه برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌کند و مدعی است این اقدامات توان منطقه‌ای تهران را محدود کرده است.

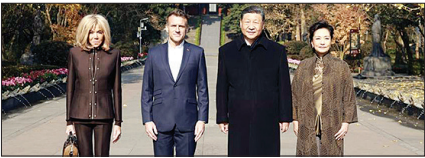
مهم‌ترین گزاره سند اما این است: «روزهایی که خاورمیانه بر برنامه‌ریزی بلندمدت سیاست خارجی آمریکا سایه می‌انداخت به پایان رسیده است.» این تغییر، بیانگر راهبردی گسترده‌تر است: تمرکز بر رقابت‌های ژئوپلیتیکی بزرگ با چین و روسیه و کاستن از بار حضور نظامی و سیاسی در خاورمیانه.

منافع ثابت آمریکا

با وجود کاهش اهمیت کلی منطقه، سند امنیت ملی مجموعه‌ای از منافع ثابت آمریکا را برشمرده است: امنیت خطوط انرژی خلیج‌فارس، باز ماندن تنگه هرمز و دریای سرخ، جلوگیری از تبدیل منطقه به پایگاهی برای حملات علیه آمریکا و تضمین امنیت اسرائیل. در کنار اینها تأکید شده که واشنگتن دیگر وارد پروژه‌های «ملت‌سازی» و جنگ‌های فرسایشی نخواهد شد؛ بلکه می‌خواهد تهدیدها را از طریق «مدیریت ایدئولوژیک و نظامی» مهار کند. همچنین گسترش توافق‌های ابراهیم به‌عنوان یکی از ستون‌های سیاست جدید معرفی شده است.

جمع‌بندی

مجموع این اظهارات و اسناد، تصویری روشن از راهبرد تازه واشنگتن ارائه می‌دهد: رهیافتی که در آن مداخله مستقیم جای خود را به مدیریت از دور داده، ایران نه دشمنی برای جنگ نظامی بلکه هدفی برای مهار هوشمندانه دانسته می‌شود و خاورمیانه از مرکز نقل سیاست خارجی آمریکا خارج شده است. در این میان سخنان تام باراک بیش از یک تحلیل شخصی، بازتاب‌دهنده یک جهت‌گیری رسمی است: نه به تغییر رژیم، آری به توافق و مدیریت یک منطقه که دیگر در اولویت نخست نیست اما همچنان برای امنیت انرژی و اسرائیل حیاتی است.



روای دزیده شده

روایت **میرچا کارتارسکو** از قربتش با ناباکوف و سالوادور دالی



در سال ۲۰۱۴ هنگامی که میرچا کارتارسکو، شاعر و رمان‌نویس رومانیایی در یک تور کتاب به آمریکا سفر کرد، توانست رویای عمرش را محقق کند: بازدید از مجموعه پروانه‌های ولادیمیر ناباکوف. کارتارسکو از تحسین‌کنندگان بزرگ این نویسنده روسی-آمریکایی است و نقاط اشتراکی با او دارد که پیوند حوزه‌های فرهنگی غرب و شرق در آثار ادبی هم‌چنین سابقه مطرح شدن به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات که هرگز برنده آن نشده از جمله آن‌هاست و بیشتر از همه این‌که او مانند ناباکوف شیفته پروانه‌هاست.

میرچا کارتارسکو که در کودکی رویایش حشره‌شناس شدن بود، در سفری به هاروارد، اجازه یافت تا به دفتر سابق ناباکوف برود و از تماشای نمونه‌هایی از پروانه‌ها که او جمع‌آوری کرده بود، شگفت‌زده شد.

سه‌گانه پروانه‌ای

سه‌گانه خیره‌کننده کارتارسکو که منتقدان در سال ۲۰۱۰ آن را به عنوان رمان دههٔ رومانی انتخاب کردند به شکل یک پروانه است که قسمت‌های اول و سوم بال‌ها و جلد میانی بدن آن را تشکیل می‌دهند. در «بال چپ» جلد اول که انتشارات پنگوئن تقریباً ۳۰ سال پس از انتشار آن به زبان رومانیایی، آن را منتشر می‌کند، پروانه‌ها در هر صفحه در حال بال زدن هستند. اما آنها به ندرت موجوداتی اثری هستند. بخشی از روای او در این کتاب، صحنه‌ای است که به‌طور مشخص سورئال است، گروهی از روستاییان قرون وسطایی را نشان می‌دهد که دسته‌ای از پروانه‌های غول‌پیکر را کشف می‌کنند که مانند ماموت‌های پشمالو ۲۰ قدم طول و ۴۰ قدم عرض، زیر یخ رودخانه دانوب یخ زده‌اند. آنها از زیبایی حشرات شگفت‌زده می‌شوند سپس برای یک ضیافت مجلل، یخ‌ها را جدا کرده و مانند خرچنگ می‌جوشانند.

خویشاوندی با سالوادور دالی

کارتارسکو می‌گوید: «ناباکوف هنرمند خوبی بود اما در مقایسه با من ارتباط کمتری با ادبیات فانتزی و سورتالیسم داشت. تصویر پروانه‌های عظیم زیر یخ دانوب شاید مناسبتی با سالوادور دالی یا جورجیو دِ چیریکو داشته باشد؛ هنرمندانی که من همیشه با تخیل آن‌ها احساس خویشاوندی کرده‌ام.» سه‌گانه کارتارسکو همان کاری را برای بخارست انجام داد که اولیس جیمز جویس برای دوبلین. این کتاب شهر زادگاه نویسنده را به شخصیتی مستقل بدل کرد اما این کتاب‌ها نامه‌های عاشقانه به زادگاهش نیستند و او می‌گوید با این کتاب، انتقامی سبکی و ادبی از افرادی گرفت که جوانی‌اش را دزدیدند.

نسل شلوار جین آبی

کارتارسکو، متولد اول ژوئن ۱۹۵۶ در رومانی، کشور کمونیستی در حوزهٔ نفوذ اتحاد جماهیر شوروی بزرگ شد و پدرش نقشی فعال اما جزئی در ادارهٔ رژیم کمونیستی داشت و هنگامی که پردهٔ آهنین در سال ۱۹۸۹ فرو ریخت بسیار ناراحت شد. کارتارسکو پس از شنیدن خبر فرار

رئیس‌جمهور نیکولا چاونوشسکو از کشور با هلیکوپتر همراه همسرش به یاد می‌آورد: «او به آشپزخانه رفت و کتاب حزب سرخ خود را روی آتش گذاشت. او همیشه گریه می‌کرد زیرا به کمونیسم اعتقاد داشت و حالا می‌دید که همه چیز دروغ است.» کارتارسکوی پسر اما احساس متفاوتی داشت. او که در جوانی چهره‌ای کلیدی از جنبش فرهنگی جدیدی بود که به عنوان «نسل شلوار جین آبی» شناخته می‌شدند از آن افرادی بود که به صفحات بیتلز که قاچاق بودند، گوش می‌دادند و «زوزه» آلن گینزبرگ را از بر بودند. او می‌گوید: «خود این اصطلاح هم طعنه‌آمیز بود چون ما شلوار جین آبی می‌پوشیدیم، نه شلوار جین‌های اصلی رانگلر بلکه شلوار جین‌های آبی ساده‌ای که در رومانی تولید می‌شدند.» فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای او مانند یک آزادی بود و به یاد می‌آورد: «بعد از انقلاب من شهرود جهان شدم.» اگرچه این نویسنده حالا پس از سال‌ها دوباره ساکن رومانی است اما می‌گوید یک سوم از زندگی‌اش پس از جنگ سرد خارج از کشور گذشت و تنها چند صفحهٔ اول از سه‌گانه «خیرکننده» را در بخارست نوشته است. بقیه این اثر ۱۴۰۰ صفحه‌ای طی ۱۴ سال در آمستردام، برلین، بوداپست و اشتوتگارت تکمیل شده و این با پروانهٔ مورد علاقه‌اش پروانه مونارک هماهنگی دارد که هر سال هزاران کیلومتر مهاجرت می‌کند.

در سال‌های اخیر، کتاب‌های او کم‌کم به جایگاه جهانی رسیده‌اند؛ جایگاهی که نویسنده آرزویش را داشت. رمان «سلنوئید» او امسال در فهرست اولیه جایزه بوکر بین‌المللی قرار گرفت و سال پیش برندهٔ جایزه لس آنجلس تایمز و جایزه ۱۰۰ هزار یورویی دوبلین شد که آن را به شکل مشترک با شان کاتر مترجم کتاب دریافت کرد. مجلهٔ «اشپیکل» هم امسال «بال چپ» را در فهرست ۱۰۰ کتاب برتر جهان قرار داد و ترجمهٔ جدیدی از آن امسال در فرانسه منتشر شد. این واقعیت که او در ۱۰ سال گذشته به عنوان یکی از مدعیان جدی جایزهٔ نوبل ادبیات در نظر گرفته شده اما موفق نشده به این جایزه برسد، آیا او از انتظار برای تماسی از سوی آکادمی سوئد خسته شده است؟ می‌گوید: «هرگز منتظر این تماس نبوده‌ام. از افرادی که من را شایسته آن می‌دانند، سیاس‌گزارم زیرا شایستهٔ جایزهٔ نوبل دیده شدن، حتی اگر فقط یک شایعه باشد، یک افتخار مطلق است. کارتارسکو می‌گوید: «فکر می‌کنم امروز می‌توان از نوعی رونق گروه نویسندگان شرقی صحبت کرد که من به عنوان یکی از اعضای این گروه بودن بسیار افتخار می‌کنم. می‌توانید آن را با آن‌چه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ با نویسندگان آمریکای لاتین مانند گارسیا مارکز، وارگاس یوسا یا بورخس شکل گرفت، مقایسه کرد.»

اگرچه کارتارسکو مورد تحسین منتقدان است اما آن‌طور که باید توسط نهادهای ادبی پذیرفته نشده است. اوایل امسال، کارتارسکو به طرز بحث‌برانگیزی با یک رأی از حضور در مجمع عمومی آکادمی رومانی محروم شد. کارتارسکو تأکید می‌کند نسبت به چنین اموری کاملاً بی‌اعتناست. می‌گوید: «من از اینکه در نهایت موفق نشدم، آسوده‌خاطر بودم. فکر می‌کنم برای این کار مناسب نیستم، هیچ جنبهٔ آکادمیکی در من وجود ندارد.»

خداحافظی یغمایی

کوروش یغمایی پس از سال‌ها ممنوع‌الکاری با دنیای موسیقی وداع کرد

شکوفا کرد. او نه تنها راک را به ایران آورد بلکه موفق شد، جذابیت راک ایرانی را به گوش و جان مخاطبان بین‌المللی برساند. مجلهٔ «بیلورد» که این گفت‌وگو را سال ۲۰۱۱ به مناسبت انتخاب یغمایی به عنوان یکی از «۵۰ راکر اول دنیا» منتشر کرده بود هم‌چنین در توضیح یغمایی در باب فلسفهٔ هنری خود اضافه می‌کند: «با استفاده از ملودی‌های غربی، من گیتار را تبدیل به پایه‌ای از آوایی متمایز (اختصاصاً) ایرانی کردم، در سطحی که برای مخاطب بین‌المللی هم جذابیت داشته باشد.» او تأکید می‌کند، موسیقی وقتی ارزشمند است که «یک اروپایی، آمریکایی، اسپانیایی یا حتی یک عرب یسا آفریقایی، آهنگی را بشنوند و از آن لذت ببرند حتی بدون درک (معنی) شعر.»

به‌رغم مهاجرت بسیاری از هم‌دوره‌ای‌هایش، یغمایی ماندن در ایران را انتخاب کرد. او در پاسخ به سؤالی دربارهٔ دلیل ماندنش در ایران گفته است: «هر هنرمندی باید تاریخ و هویت فرهنگی خود را درک کند. عشق من به تاریخ ایران به نوعی به بیماری شبیه است. هر چه که ما ایرانیان داریم از موسیقی فولکلوریک‌مان می‌آید. اگر از ایران رفته بودم، مطمئنم که به نااختن موسیقی به صورت بین‌المللی می‌پرداختم اما احتمالاً فارسی اجرا نمی‌کردم.» این عشق به هویت ایرانی در آثار او از ترانه‌های عاشقانه گرفته تا قطعاتی با مضامین اساطیری و ملی، همواره حاضر بوده است.

سال‌های ممنوع‌الکاری

یغمایی در کانال تلگرامی خود دربارهٔ سال‌های ممنوع‌الکاری‌اش در ایران نوشته است: «با ممنوع‌الکار شدنم همه راه‌های شرافتمندانه برای ادامه زندگی به رویم بسته شد و برای ماندن در سرزمینم که همواره به آن عشق می‌ورزم تنها یک راه به ذهنم رسید که تقریباً نزدیک به کارم یعنی موزیک بود و آن، کار در زمینهٔ کتاب و نوار قصه کودکان بود. البته بدون ذکر نام! من ممنوع‌الاسم هم شده بودم.» کوروش یغمایی هژمسان با گرفتن مدرک کارشناسی جامعه‌شناسی، آهنگ‌سازی روی چند شعر از هم‌کلاسی خود مهدی اخوان‌لنگرودی را آغاز کرد که با نام‌های «گل یخ» و «حجم خالی» به فضای حرفه‌ای موسیقی ایران راه یافتند. «گل یخ» به سرعت به خارج از مرزهای ایران نفوذ کرد و در پی آن، اجراهای گوناگونی در دیگر کشورهای جهان از این ترانه شکل گرفت که تاکنون نیز ادامه دارد. می‌توان گفت این یکی از نخستین‌بارهایی بود که موسیقی ایران وارد عرصه‌های جهانی می‌شد.

از شاه‌رود تا قله راک

زندگی کوروش یغمایی که متولد ۱۲ آذر ۱۳۲۵ در شهرستان شاه‌رود است از کودکی با موسیقی پیوند خورد. اگرچه نواختن سنتور را نزد پدر آغاز کرد اما جذابیت گیتار، ساز مدرن آن روزها، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. او در ۱۸ سالگی یک گروه راک اینسترومنتال تشکیل داد و به دلیل مهارت خارق‌العاده در نواختن گیتار به «پنجه طلایی» ملقب شد. در دههٔ ۱۳۵۰ یغمایی با تلفیق ملودی‌های غربی و رنگ‌مایه‌های ایرانی، صدایی کاملاً متمایز خلق کرد. او گیتار را به پایهٔ اصلی آهنگ‌سازی تبدیل و با بداهه‌سازی‌های نوآورانه، راک ایرانی را بازتعریف کرد. کارشناسان اروپایی و آمریکایی، او را به تتهایی بنیان‌گذار این سبک در ایران می‌دانند و نقشش را هم‌تراز با پیشگامان جهانی راک چون رولینگ استونز و بیتلز ارزیابی می‌کنند.

در میانه کمبودها و محدودیت‌ها

پیشگامی کوروش یغمایی در دورانی شکل گرفت که دسترسی به ابزار و امکانات موسیقی به شدت محدود بود. یغمایی در گفت‌وگو با مجلهٔ «بیلورد» دربارهٔ شرایط موسیقی ایران در دههٔ ۷۰ میلادی تعریف کرده است: «آلات موسیقی بسیار سخت به دست می‌آمد یا اصلاً موجود نبود. حتی سیم گیتار پیدا نمی‌شد. یک بار به استودیو رفتم و باید کل آهنگ را در یک اجرای هم‌زمان ضبط می‌کردیم چون پول زیادی نداشتیم.» با این حال همین محدودیت‌ها، خلایقیت او را

فیلم‌مستند

روایت آغاز جنگ

خط‌القعر شکل‌گیری جنگ عراق و ایران را در بستر تاریخ بررسی می‌کند

فیلم مستند «خط‌القعر» به کارگردانی فرشاد اکتسابی سال گذشته یکی از فیلم‌های هجدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» به لحاظ موضوعی بود. اکتسابی سینماگر اجتماعی است و حضورش در یک پروژه که به تاریخ سال‌های جنگ اشاره دارد، جذاب بود. او که در کارنامه سینمایی‌اش، فیلم‌های محبوب «آلاله» و «ف-الف» را دارد با «خط‌القعر» وارد حوزه تازه‌ای شد. این محصول «مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی» دلایل شکل‌گیری جنگ ۸ ساله ایران و عراق در یک بستر تاریخی همچنین روابط بین دو کشور را بررسی می‌کرد. خط‌القعر به‌دنبال چرایی آغاز جنگ بین ایران و عراق به‌دلیل اختلافات مرزی و براساس عمیق‌ترین نقطه ارون‌دروغی «خط‌تالوگ» از زمان امپراتوری عثمانی تا شروع جنگ تحمیلی است و در بازه زمانی فعلی و شرایط «ایران و جهان» با هدف «هشداردهی و ایجاد هراس» به‌دنبال این است که چه عواملی منجر به جنگ ۸ ساله و تجاوز عراق به ایران شده است؟ روایت این مستند در یک بستر تاریخی از «دوران صفوی» و مناقشات فیما بین با «حکومت عثمانی» طی سال‌های حکومت‌های «افشاریه و قاجاریه» همچنین «پهلوی» و سرانجام با به‌قدرت رسیدن حزب بعث و «صدام» است و به بررسی علل طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم می‌پردازد. در جایی که یک رودخانه دو کشور را از یکدیگر تفکیک کرده است، مرز دو کشور را براساس «خط‌القعر» رودخانه مشخص می‌کنند، در حقیقت، خط‌القعر یک خط مرزی است که از عمیق‌ترین نقطه رودخانه در نظر گرفته می‌شود که باعث شده هر دو کشور همسایه با سهمی عادلانه از ظرفیت‌ها و موهبت‌های آن رودخانه مرزی بهره‌مند شوند. درخصوص تعیین این مرز آبی در رودخانه

شط‌العرب (اروند‌رود) همواره در طول تاریخ بین حکومت‌های مختلف دو کشور ایران و عراق (عثمانی آن زمان) مناقشات و اختلافات عمیقی وجود داشته است.

فرشاد اکتسابی، کارگردان این مستند درباره ایده اصلی آن می‌گوید: «در مستند «خط‌القعر» بیشتر رویکردی تاریخی به موضوع علل وقوع



حذف فرندز

نتفلیکس سریال پر طرفدار را از پلتفرم خود حذف می کند



۲۰۱۸ تفلیس مجبور شد برای حفظ این سریال در آرشیو جهانی‌اش دوباره مذاکره کند و ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار بپردازد؛ آن هم برای یک قرارداد یک ساله. البته برای همه طرف‌ها معامله خوبی بود؛ حتی در رقم بالاتر هم این مبلغ کمتر از ۱ درصد درآمد تفلیس در آن سال بود و «افرنز» تبدیل شد به پریننده‌ترین برنامه تمام سرویس‌های استریم در بریتانیا.

اما حالا در دوران «جنگ پلتفرم‌های استریم» زندگی می‌کنیم؛ دورانی که در آن سرویس‌ها برای جذب هر مشترک می‌جنگند و همین دلیل اصلی خروج «فرنزد» از تفلیکس است. فرنزد محصول کمپانی برادران وارنر است. این شرکت قرار است برای اولین بار سرویس اچ‌ای او مکس را در بریتانیا راه‌اندازی کند و احتمالاً هیچ سریالی مثل «فرنزد» نمی‌تواند مشترک جذب کند. بنابراین از منظر تجاری کاملاً منطقی است که اچ‌ای او مکس این سریال را به پلتفرم خودش منتقل کند. فارغ از جنبه اقتصادی این جنجال نکته دیگری هم درباره نحوه تماشای تلویزیون توسط مردم آشکار می‌کند. خواهید دید که تقریباً هیچ‌کدام از هواداران به این دلیل ناراحت نیستند که فرنزد «سریال خوبی» است؛ بلکه دلخوردن چون روتین روزمره‌شان مختل شده است. برای آنها «فرنزد» مثل صدای پس‌زمینه آرامش‌بخشی است که هنگام انجام کارهای دیگر روشن می‌کنند. کافی است کمی در فضای ایکس (تویتر سابق) بچرخید؛ مردم می‌نویسند که فرنزد را هنگام غذا خوردن، درس خواندن یا کارهای خانه تماشا می‌کنند. برای مدیریت ای‌دی‌ای استفاده‌اش می‌کنند. برای خواب بهتر روشنش می‌کنند.

و این منطقی است چون یکی از ویژگی‌های عجیب فرزندان همیشه کارآمدی حیرت‌انگیزش بوده. این سرایال هیچ‌وقت ریسک نمی‌کرد یا ساختارشکنی نداشت. فقط ۶ شخصیت جذاب که بی‌وقفه و با یک ریتم مشخص شوخی می‌کردند. صدای خنده تماشاگران. چند دقیقه یک بار موسیقی بین سکانس‌ها، یک الگو، یک ریتم آرام‌بخش که می‌شود مثل ساعت بدن به آن عادت کرد.

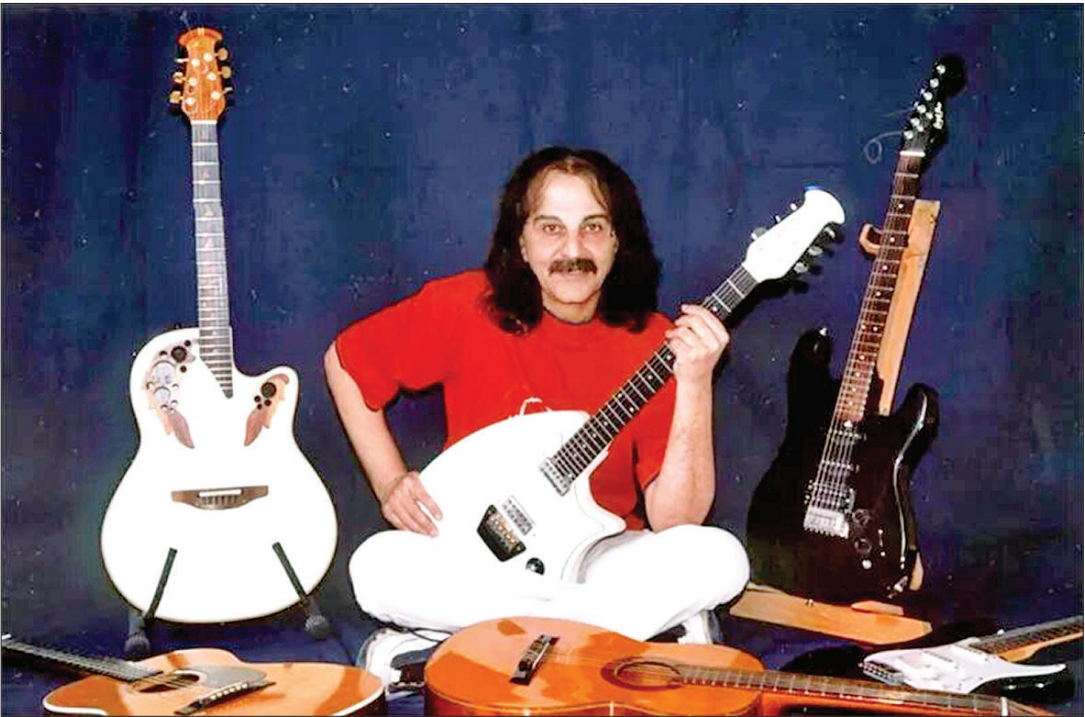
نکته این است «فرندز» جابه‌جا شد. طرفداران دوباره پیدایش کردند. حالا هم چون از تنفلیکس می‌رود، قرار نیست دنیا تمام شود. ضمن اینکه در دوران ادغام‌های گسترده رسانه‌ای زندگی می‌کنیم؛ ماه گذشته تنفلیکس پیشنهاد خرید بخش استریم برادران وارنر را ارائه داده است. اگر این اتفاق بیفتد احتمالاً تا کریمس دوباره مالک فرندز خواهد شد.

تفلیسکس هر ماه فهرست بلندبالایی از فیلم‌ها و سریال‌های تازه را به سرویس خود اضافه می‌کند اما هم‌زمان تعداد زیادی از آثار محبوب نیز به‌دلیل پایان امتیاز بهره‌برداری این پلتفرم حذف می‌شوند. ایندیندنت گزارش داده که این بار دو سریال «فرنزد» و «سوینچرال» در صدر فهرست خروجی‌ها قرار دارند که باعث ناراحتی گسترده کاربران در بریتانیا و آمریکا شده است. در واقع تفلیسکس این بار تصمیم گرفته، حق پخش این سریال کمپانی برادران وارنر را پرداخت نکند. چرا که بار قبل نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار بابت این اتفاق به حساب این کمپانی واریز کرده بود. اما این روزها اتفاق دیگری هم در جریان است. تفلیسکس تلاش می‌کند کمپانی برادران وارنر را خریداری کند که اگر این معامله جوش بخورد، او صاحب حق پخش و کپی‌رایت تمامی محصولات این کمپانی خواهد شد و پس دلیلی وجود ندارد که حالا برای این سریال محبوب آقدر هزینه کند. چیزی به نهای شدن فروش کمپانی برادران وارنر نمانده است اما هنوز هیچ چیز قطعی نیست بنابراین مدیران تفلیسکس فعلاً دست نگه داشته‌اند تا تکلیف این کمپانی بزرگ سینمایی الهالود مشخص شود و بعد احتمالاً بارای گشت «فرنزد» به پلتفرم خود تصمیم خواهند گرفت.

۳۰ دسامبر، «فرنڈز» تفلیسکس را ترک می‌کند؛ سریالی که از سال ۲۰۱۵ روی این پلتفرم در حال پخش بوده. البته این موضوع نباید تعجب‌آور باشد چون مجموعه‌ها معمولاً بین سرویس‌های مختلف جابه‌جا می‌شوند. این بخشی از واقعیت دنیای مدرن است. ماه دسامبر ۲۰۲۵ فیلم‌های «پلیس بورلی هیلز» و «ماتریکس» هم از تفلیسکس کنار گذاشته می‌شوند. این تغییرات بخشی از روند همیشگی تفلیسکس برای مدیریت قراردادهای حق استفاده است اما حذف آثار محبوبی چون «فرنڈز» و «سوپرینچرال نشان» می‌دهد که حتی طرفدارانترین سریال‌ها نیز نمی‌توانند برای همیشه در این سرویس باقی بمانند.

اما اینکه حذف «فرزند» - از این همه سریال‌ها - باعث شده مردم از کوره در بروند، چیزهای زیادی درباره تلویزیون در سال ۲۰۲۵ می‌گوید. اول اینکه فرزند اصلاً چیزی نمی‌شود. قسمت آخر آن ۲۶ سال پیش پخش شده اما با وجود همه چیز - تغییر سلیقه‌ها، نوشتارهای تازه‌تر، انتخاب‌های بیشتر - هنوز آن قدر محبوب است که نشریه ایندیپندنت اخیراً آن را «پشترین بار تماشا شده‌ترین سریال نقلی‌کس» نامید.

این یعنی سریال ارزش بسیار بالایی دارد. در سال



مسیر علاقمندی‌اش تا حد توان است. میراث او تنها در آهنگ‌ها و نت‌ها نیست؛ بلکه در الهام بخشیدن به نسل‌های بعدی موسیقیدانان ایرانی است که راه او را ادامه می‌دهند. وداع او پایان یک افسانه نیست؛ بلکه شاید آغاز فصلی دوباره برای تاریخ راک ایران است.

آلبوم «پلاک ۴۴» بعد از ۵۰ سال فعالیت (از گل‌بخ در سال ۱۳۴۴ تا کنون) بوده و به نوعی جمع‌بندی آثارش است که شامل همکاری با نوازنده‌های جوان و بازخوانی‌هایی از آثار قدیمی است؛ تم این آلبوم ایران، مرور خاطرات و عاشقانه‌هایی است. کوروش بغمایی با این تصمیم خود به دوران ۵۰ ساله حضورش از موسیقی راک و ایرانی پایان می‌دهد. این خبر تلخی برای دوستان‌انش است، یکی از اسطوره‌های موسیقی ایران که می‌خواهد از فعالیت‌های موسیقایی کناره‌گیری کند، هرچند زندگی هنری و یاد او همیشه ماندگار خواهد بود. از قطعات این آلبوم می‌توان به این موارد اشاره کرد:

■ پلاک ۴۴ (قطعه اصلی، راک-سنتی با شعر فارسی درباره
خاطرات تهران قدیم).

■ زنجیر خودت را بساز (بازخوانی از آثار قدیمی، با شعر مهدی خوان ثالث).

■ حجم خالی (از سال ۱۳۵۴ با شعر اخوان، حالا با ارکستر جدید).

■ می‌شناسیدم (از آلبوم کابوس، با شعر حسین منزوی، راک).
■ دیشب که بارون اومد (فولکلور راک، با همخوانی ساتگین غمایی).

■ یاغی (قطعه پایانی، الهام گرفته از موسیقی راک دهه ۴۰ باتم خدا حافظی).

بقیه قطعات (مثل کابوس و آخرین پلاک) روی مهاجرت، عشق به ایران و سنت‌ها تمرکز دارند، با نوازندگی کوروش و نوازنده‌های جوان آمریکایی-ایرانی تولید شده است.

که عمدتاً درخصوص سرحدات این دو امپراتوری بزرگ در منطقه سوق الجیشی شط العرب (اروندرو) بوده و این مناقشات سال‌های متعددی طی آمدورفت حکومت‌هایی چون افشاریه و قاجاریه همچنین پهلوی به‌قوت خود تاوأم داشته است که سرانجام با به قدرت رسیدن صدام به نبردی خونین و طولانی منجر شد.

اکتسابی درباره منابع پژوهشی این مستند توضیح می‌دهد: «مطالعی را از کتاب‌ها، مقالات، نشریات و تاریخ شفاهی‌های مختلف جمع‌آوری کردم. برای پژوهش صرفاً به منابع ایرانی اکتفا نکردم و برخی اطلاعات را از منابع غیرایرانی به خصوص عراقی جمع‌آوری کردم تا موضوع را از زاویه دید طرف مقابل نیز بررسی کنم. در این فیلم تکیه ما بر اسناد تاریخی است و چیزی حدود ۱۸ هزار سند تاریخی را مورد بررسی قرار دادم که بخشی از آنها در کتابخانه ملی، مرکز اسناد وزارت امور خارجه و آرشیوهای مختلف اسناد و... در دسترس بوده است. من برای پژوهش «خط‌الغیر» به مرکز اسناد کشور امارات همچنین قطر دسترسی پیدا نکردم که در آنجا اطلاعات بسیار خوبی از گزارشات آدم‌آسیکس انگلستان به‌دست آوردم. همچنین در آرشیو اسناد اندیشکده ویلسون و دانشکتن نیز تعداد زیادی فایل‌های صوتی پیاده شده از گفت‌وگوهای محرم‌نامه صدام حسین با امرای ارتش نیز پیدا کردم که مربوط به زمان قبل از شروع جنگ است». این کارگردان با اشاره به شیطنت‌های رسانه‌ای درباره آغاز جنگ می‌گوید: «برخی شبکه‌های خارجی مثل (ام‌ن تو) با خواش بخشی از اسناد، مستندهایی می‌ساختند و طوری بیان می‌کردند که گویا ایران متولی جنگ بوده و بسیاری از مردم نیز این شبکه‌ها را دنبال می‌کردند. یعنی طوری اسناد را پشت هم می‌چیدند که این‌طور به مخاطب القا کنند. در حالی که آنها نیز به نوعی یک طرفه به قضای می‌رفتند و اسناد مربوط به آغاز جنگ را باید در کنار هم مورد تحلیل و واکاوی قرار داد. همان‌طور که در این مستند انجام دادیم و در نهایت با توجه به بررسی‌هایی که صورت گرفت، می‌توان گفت صدام و حزب بعث جنگ ۸ ساله با ایران را آغاز کرد. البته من در فیلم می‌گویم چه مشکلات و اتفاقاتی هم در کشور ما باعث شد به صدام کمک کند که بیشتر به خواسته و اهدافش برسد.

او در سال ۱۳۷۳ آلبوم «سبب نقره‌ای» را عرضه کرد. پس از آن سه آلبوم «ماه و پلنگ»، «کابوس»، «تفنگ دسته نقره» هم چنین موسیقی فیلم «گرگ‌های گرسنه» را منتشر کرد. این آثار آغازی دوباره برای ادامه موسیقی مدرن در ایران بودند.

اگرچه کوروش یغمایی پس از انقلاب در ایران ماند اما صدای او از مرزهای ایران فراتر رفت و در غرب هم شنیده شد و این مدیون آشنایی ایوئن آلپات، مدیر شرکت آمریکایی Now-Again Records با موسیقی یغمایی در سال ۱۳۸۸ بود. آغاز این راه، حضور ترانه «حجم خالی» یغمایی در آلبوم گردآوری شده‌ای به نام «تجزیر خود را بباف» در سال ۲۰۱۰ بود که این ترانه را به عنوان تنها نماینده خاورمیانه معرفی کرد. آلپات این انتخاب را آغازی برای «کشف دوباره کوروش در غرب» دانست. پس از آن، در سال ۲۰۱۱، آلبوم «بازگشت از لبه پرتگاه» منتشر شد. این آلبوم که بهترین تک‌آهنگ‌های دورت طلایی یغمایی (۱۹۷۹-۱۹۷۳) را در برمی‌گرفت با استقبال نشریات معتبر جهانی مواجه شد. مجله «رولینگ استون» به آن سه ستاره از چهار ستاره داد، MOJO آن را بهترین آلبوم ماه جهان معرفی و امتیاز کامل (چهار ستاره) به آن اعطا کرد و بیلبورد نیز با او گفت‌وگو کرد. این انتشار، یغمایی را در صحنه بین‌المللی موسیقی تثبیت کرد. همکاری با این شرکت آمریکایی به انتشار آلبوم‌های دیگر یغمایی در غرب انجامید. آلبوم «ترک‌گوشه‌نشینی» که حاوی ۳۰ ترانه از دوره پیش از انقلاب بود نیز توسط این شرکت منتشر شد. این روند برای آثار جدید او نیز ادامه یافت.

و اما خدا حافظی

خدا حافظی کوروش یغمایی در ۷۹ سالگی، فصل پایانی زندگی حرفه‌ای هنرمندی است که با پشتکار و عشق، موسیقی راک را در ایران ریشه‌دار کرد. آخرین آلبوم او، «پلاک ۴۴»، نماد تلاش او در

جنگ ۸ ساله ایران و عراق داشتیم چرا که معتقدیم، حوادث تاریخی مثل سلسله مهره‌های دومینو چیده شده در پی هم هستند که هر مهره وقت فرو افتادن بر فراواندین مهره دیگر اثر می‌گذارد و اگر می‌خواهیم در یک مستند، برهه‌ای خاص از تاریخ را مورد واکاوی قرار دهیم باید نگاهی دیالکتیکی به وقایع تاریخی پیش از آن واقعه داشته باشیم. پژوهش این مستند یک سال و نیم به طول انجامید اما از آنجایی که تمرکز بر اسناد و مدارک بود، جست‌وجوی فراوانی را در زمینه یافتن خیلی از اسنادی که شاید کسی تا حال به سراغشان نرفته یا از آنها خبر نداشته است در پیش گرفتیم. این مستند یک مستند صرفاً آرشیوی نیست.»

این مستندساز تلاش کرده که علل شکل‌گیری جنگ ۸ ساله را در بستر تاریخی ریشه‌یابی کند به همین دلیل، روایت مستند را از دوران صفوی و مناقشات این حاکمیت با حکومت عثمانی آغاز کرده است



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

تجارت با مهاراجه‌ها

آیا هند می‌تواند جای آمریکا را بگیرد؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

پیشنهاد برخی صاحب‌نظران مبنی بر تقویت رابطه دوستی و همکاری با همسایگان و حتی کشورهایی مانند هند، در راستای کاهش تأثیر تحریم‌ها و پیشبرد اهداف توسعه‌ای ایران، ایده‌ای است که از منظر اقتصادی و ژئوپلیتیکی قابل توجه است. این دیدگاه بر این اصل مبتنی است که ایجاد شبکه‌های اقتصادی متنوع و متکی بر شرکای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌تواند به کاهش وابستگی به بازارها و روابط سنتی، به‌ویژه با آمریکا، کمک کند و در شرایط تحریم‌های گسترده، راهایی برای عبور از محدودیت‌ها فراهم آورد. به عبارت دیگر، تعامل نزدیک‌تر با همسایگان و کشورهای دارای بازارهای بزرگ، امکان دسترسی به منابع مالی، فناوری و بازارهای صادراتی جدید را فراهم می‌آورد و از این طریق، فشار ناشی از تحریم‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که توسعه پایدار اقتصادی بدون ایجاد تنوع در شرکای تجاری و اقتصادی میسر نیست. ایران دارای ظرفیت‌های اقتصادی، انرژی و منابع انسانی قابل توجهی است و می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری را فراهم آورد. روابط نزدیک‌تر با هند و سایر کشورهای آسیایی می‌تواند مسیرهای جایگزین برای صادرات نفت و گاز، مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد کند و بخشی از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها را کاهش دهد. با این حال لازم است به محدودیت‌های این رویکرد نیز توجه شود. روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر نیز در چارچوب قوانین بین‌المللی و محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد و هرچند می‌تواند بخشی از فشارها را کاهش دهد اما نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین تعاملات اقتصادی گسترده با اقتصادهای بزرگ غربی از جمله آمریکا شود. تحریم‌ها تنها محدودیت اقتصادی نیستند بلکه شامل موانع بانکی، مالی و دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نیز می‌شوند که عبور کامل از آن‌ها بدون تعامل با اقتصادهای بزرگ بسیار دشوار است. بنابراین تقویت همکاری با کشورهای منطقه و شرکای آسیایی بیشتر به عنوان راهکاری مکمل و بخشی از یک استراتژی جامع اقتصادی مطرح می‌شود. در عین حال توجه به بعد سیاسی و دیپلماسی منطقه‌ای نیز حیاتی است. ایجاد رابطه دوستانه و همکاری نزدیک با همسایگان، علاوه بر مزایای اقتصادی، می‌تواند ثبات سیاسی و امنیتی منطقه را تقویت کند و زمینه برای توسعه پروژه‌های مشترک زیرساختی، انرژی و حمل‌ونقل فراهم کند. این رویکرد همچنین می‌تواند به ایران کمک کند تا نقش فعال‌تر و تأثیرگذارتر در مسائل منطقه‌ای ایفا کند و از انزوای سیاسی و اقتصادی خود بکاهد. در نهایت استفاده از ظرفیت‌های همسایگان و کشورهای آسیایی مانند هند به عنوان بخشی از سیاست متنوع‌سازی روابط اقتصادی و کاهش فشار تحریم‌ها می‌تواند، گام مؤثری برای تسهیل مسیر توسعه و پیشرفت ایران باشد. با این حال، این اقدام باید در کنار اصلاحات اقتصادی داخلی، تقویت بنیه تولید ملی و بهبود فضای کسب‌وکار دنبال شود تا اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی ملموس و پایدار باشد. به بیان دیگر، روابط منطقه‌ای و آسیایی می‌تواند، مکمل و تقویت‌کننده توسعه باشد اما جایگزین کامل تعامل با اقتصادهای بزرگ جهانی نیست.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

ادامه تیتز یک

وقت شجاعت است

منظور اقتصاددانان چیست؟

به‌طور متعارف، انتظار می‌رود بودجه سالانه نقشی اساسی در افزایش رشد اقتصادی، تثبیت متغیرهای کلان و تأمین کالاها و خدمات عمومی همچون امنیت، آموزش، بهداشت، محیط‌زیست و زیرساخت‌های عمومی ایفا کند. با این حال، در عمل، بودجه به محملی برای تحقق شعارهای انتخاباتی، اهداف سیاسی و تثبیت ائتلاف‌های قدرت تبدیل شده است. در نتیجه، نهادهای سیاسی، عقیدتی و سازمان‌هایی که مأموریت مستقیمی در ارائه کالای عمومی ندارند، سهمی به‌مراتب بیشتر از نهادهای خدمات‌رسان به مردم از منابع بودجه‌ای دریافت کرده‌اند. از نگاه امضاکندگان نامه، یکی از عمیق‌ترین مشکلات بودجه در ایران، غیبت انسان و مسائل انسانی در اولویت‌های سیاست‌گذاری است. در بسیاری از لایوح بودجه، تأمین معیشت مردم، دسترسی به دارو، حمایت از بیماران خاص، آموزش عمومی باکیفیت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی در حاشیه قرار گرفته‌اند؛ در حالی که منابع قابل‌توجهی صرف امور غیرمولد یا فاقد اثر ملموس بر زندگی شهروندان می‌شود. نتیجه آنکه سهم مستقیم مردم از کیک بودجه هر سال کوچک‌تر شده است.

این وضعیت در تضاد آشکار با شعارهایی است که دولت‌ها هنگام به‌دست گرفتن سکان قدرت مطرح می‌کنند. غالب دولت‌ها

دیدگاه: بازار سهام

در مسیر رکوردشکنی

شاخص کل چگونه به کانال ۳.۴ میلیون واحد رسید؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بورس تهران در ادامه روند صعودی پرقدردت دو هفته اخیر در معاملات دیروز نیز با رشد قابل توجه شاخص‌ها همراه شد و بار دیگر رکوردی تاریخی را به ثبت رساند. در جریان معاملات دیروز شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴ شاخص کل بورس با افزایش ۶۶ هزار و ۹۳۱ واحدی معادل ۱.۹۸ درصد، در سطح ۳ میلیون و ۴۴۶ هزار و ۷۸۸ واحد ایستاد و ضمن تثبیت در کانال ۳.۴ میلیون واحد، سقف جدیدی را در مسیر صعودی خود تجربه کرد. شاخص هم‌وزن نیز همسو با شاخص کل عملکرد قدرتمندی داشت و با رشد ۱۳ هزار و ۶۲۲ واحدی، معادل ۱.۴۲ درصد به سطح ۹۷۳ هزار و ۵۹۳ واحد رسید. رشد هم‌زمان شاخص کل و هم‌وزن نشان می‌دهد که موج تقاضا محدود به چند نماد شاخص‌ساز نبوده و بخش قابل‌توجهی از بازار در مدار صعود قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات دیروز، افزایش محسوس مشارکت معامله‌گران حقیقی و تقویت سمت تقاضا بود. بررسی جریان پول نشان می‌دهد که حدود ۸۸۸ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شده

با وعده حمایت از فرودستان، کاهش نابرابری و تحقق عدالت اجتماعی روی کار می‌آیند اما در عمل، سازوکارهای بودجه‌ای به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که منافع اصلی نصیب گروه‌های ذی‌نفوذ و ذی‌نفع می‌شود و نه طبقات آسیب‌پذیر جامعه. اقتصاددانان در نامه خود هشدار داده‌اند که طی سال‌های اخیر، بخش قابل توجهی از بودجه جاری کشور در سیاه‌چاله‌هایی هزینه شده که نه‌تنها به حل مشکلات ساختاری اقتصاد کمکی نکرده‌اند بلکه خود به شکل‌گیری ابرچالش‌هایی مانند کسری مزمن بودجه، تورم بالا، کاهش سرمایه‌گذاری و فشار مضاعف بر معیشت مردم انجامیده‌اند. از نگاه آنان، استمرار این روند در سال‌های آینده، فشارهای سنگین‌تری بر منابع عمومی و زندگی شهروندان وارد خواهد کرد. در چنین چارچوبی است که مطالبه اقتصاددانان برای «شفافیت و عدالت در بودجه» معنا پیدا می‌کند. آنچه امروز به‌عنوان سهم مردم از بودجه باقی می‌ماند، در نگاه این گروه، شباهت زیادی به همان مششت خالی داموس‌الملک در سریال «قهوه تلخ» دارد؛ سهمی که نه به‌صورت نقدی و واقعی بلکه در قالب وعده‌ها و حواله‌های تکراری به شهروندان ارائه می‌شود. از همین‌رو، امضاکندگان نامه تأکید دارند که بدون اصلاح سمت هزینه‌های بودجه، شفاف‌سازی کامل دخل و خرج دولت و حذف ردیف‌های غیرمولد، هیچ اصلاح اقتصادی پایداري به عدالت منتهی نخواهد شد.

کنش‌گری اقتصاددانان

ایمن روزها اقتصاددانان بیشتر از دیگر گروه‌های علمی دیگر واکنش نشان می‌دهند و نسبت به رویدادهای اقتصادی و تصمیم‌های کلان سکوت نمی‌کنند و تلاش دارند ارزیابی و هشدارهای خود را آشکارا بیان کنند. این کنشگری البته پدیده‌ای تازه نیست. دست‌کم بیش از چهار دهه است که اقتصاددانان ایرانی نسبت به چالش‌های ساختاری اقتصاد کشور دغدغه دارند و آنچه امروز به عنوان ابربحران‌های اقتصادی شناخته می‌شود، از همان زمان که صرفاً یک چالش بود، از سوی آنان شناسایی و گوشزد شده است. طی این سال‌ها، دولت‌های مختلف با گرایش‌ها و سلايق سیاسی گوناگون بر سر کار آمده‌اند و جامعه ایران تجربه متنوعی از الگوهای حکمرانی را پشت سر گذاشته است. با این حال، آنچه به‌نظر می‌رسد نقطه مشترک بسیاری از این دولت‌ها بوده، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به چالش‌های به‌ظاهر کوچک اقتصادی است؛ مسائلی که در زمان خود جدی گرفته نشدند، انباشته شدند و به مرور به بحران‌های بزرگ و پیچیده بدل شدند از منظر اقتصاددانان، بخش قابل توجهی از مشکلات امروز، حاصل همین رویکرد کوتاه‌مدت است؛ رویکردی که به‌جای حل مسئله، بحران‌ها را «زیسر‌فرش» پنهان کرده و عملاً زمین‌دولت‌های بعدی را مین‌گذاری کرده است. کسری بودجه مزمن، ناترازی‌های گسترده، فشارهای تورمی و فرسایش سرمایه اجتماعی، پیامدهای انباشته‌شدن همین بی‌توجهی‌ها هستند. در چنین شرایطی، کنشگری امروز اقتصاددانان را باید نه واکنشی مقطعی، بلکه تداوم دغدغه‌ای دانست که سال‌هاست نسبت به آینده اقتصاد و معیشت جامعه وجود داشته و اکنون با صدایی بلندتر و مطالبه‌گرانه‌تر مطرح می‌شود.

منفی بودند. این گستردگی رشد از نشانه‌های مهم بازارهای صعودی قدرتمند به شمار می‌رود و بیانگر آن است که رشد بازار به صنایع و نمادهای محدود خلاصه نشده است. در کنار عوامل درون‌بورسی، تحولات بازارهای موازی نیز نقش مهمی در تقویت انتظارات صعودی ایفا کرده‌اند. دلار آزاد که معاملات پنج‌شنبه را در سطح ۱۱۹ هزار و ۷۵۰ تومان به پایان رسانده بود، معاملات دیروز را در سطح ۱۲۱ هزار و ۴۰۰ تومان آغاز کرد. همچنین اختلاف حدود ۷۰ درصدی میان نرخ دلار آزاد و دلار توافقی، نگاه‌ها را بیش از پیش به سمت بازار سهام معطوف کرده است. در بازار طلا نیز روند افزایشی ادامه یافت؛ به‌طوری که هر گرم طلای ۱۸ عیار به سطح ۱۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسید و سکه امامی با عبور از مرز ۱۳۰ میلیون تومان وارد کانال جدید قیمتی شد. صندوق‌های طلا نیز دیروز با استقبال سرمایه‌گذاران مواجه شدند و بیش از هزار میلیارد تومان ورود پول حقیقی را تجربه کردند. با وجود رکوردشکنی‌های اخیر، رفتار بازار در روزهای آینده اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت. در صورتی که صفوف خرید برخی نمادها عرضه شود میزان پایداری تقاضا محک زده خواهد شد. اگر نقدینگی موجود بتواند عرضه‌ها را جذب کند، می‌توان به تداوم روند صعودی امیدوار بود؛ در غیر این صورت، احتمال نوسانات کوتاه‌مدت و اصلاح مقطعی دور از انتظار نخواهد بود. چشم‌انداز بازار سهام در روزهای پیش‌رو نشان‌دهنده ادامه روند صعودی با حفظ سطح نقدینگی بالا و تقاضای گسترده است. اگر عرضه‌ها متناسب با تقاضای موجود باشد، شاخص‌ها می‌توانند مسیر رشد خود را ادامه دهند و موج‌های جدیدی از ورود سرمایه حقیقی به بازار ایجاد شود. با این حال، نوسانات بازار ارز و تغییر سیاست‌های اقتصادی می‌تواند بر سرعت و ثبات این رشد تأثیرگذار باشد.



آقای علی حیدر ناصری طی درخواست وارده به شماره ۱۵۷۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ منضم به دو برگ استشهاد محلی که به تایید دفتر اسناد رسمی شماره ۸۶ ایلام رسیده مدعی است سند مالکیت پلاک ۵۰۲ فرعی از ۴۱ اصلی – میش خاص روستای حسین آباد که به نام نامبرده صادر شده مفقود گردیده است. برابر محتویات پرونده ثبتی سند مالکیت مقدار ۶ دانگ از شش‌دانگ پلاک مذکور با شماره صفحه ۲۶۵ ذیل دفتر شماره ۴۱ به شماره ثبت ۷۵۹۲۲ نام نامبرده با شماره ملی ۳۲۵۳۸۷۴۵۰۰۳ صادر و تسلیم گردیده است سه مورد باداشت ، بموجب نامه شماره ۵۶۴/۹۲ شعبه اجرای احکام مدنی دادسرای عمومی و انقلاب اسلامی در بازداشت می باشد. لذا مراتب در اجرای تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت آگهی میگردد. متذکر می شود هر کس که مدعی وجود سند مالکیت نزد اوست و یا نسبت به ملک مورد آگهی معامله ایی کرده باید ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اصل سند مالکیت و یا سند معامله را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ شهرستان ایلام ارائه نماید در صورتی که تاده روز از تاریخ انتشار اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض ، اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اعتراض وارده مسموع نبوده و نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام و به متقاضی تسلیم خواهد شد.

تیموریان – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ شهرستان ایلام شناسه آگهی ۲۰۶۶۵۳۲

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۲۶۸۲۲/۴۵۶۰۳۱۰۴۶۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه مرتضی عباسی مولائی فرزند امراله به شماره ملی ۲۰۸۰۱۴۱۳۵۱ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۴/۵۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۰- اصلی واقع درقریه بندارخیل بخش ۲ ثبت ساری.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی:۲۰۶۶۱۴۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۰۱
علیرضا سیاه‌رودکلایی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۲۶۸۲۳/۴۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تحت تصرفات مالکانه آقای عباس علی‌پور فرزند عبدالله به شماره ملی ۰۸۸۹۳۰۲۴۰۵ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۰۲۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰- اصلی واقع درقریه آبندانسر بخش چهار ثبت ساری

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

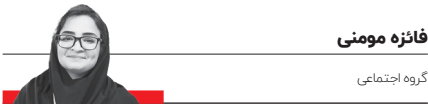
شناسه آگهی:۲۰۵۳۵۲۷

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
علیرضا سیاه‌رودکلایی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

کیش و مات کیش

ورود دادستان کیش به یک رویداد مردمی با اعتراض هواداران جامعه مدنی روبه‌رو شد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

علی سالمی‌زاده، دادستان عمومی و انقلاب جزیره کیش اعلام کرد که دو نفر از عوامل اصلی برگزاری ماراثن کیش بازداشت شده‌اند. به گفته وی، «یکی از افراد بازداشت شده از مسئولان منطقه آزاد کیش بوده و دیگری از اشخاص شرکت خصوصی برگزارکننده مسابقه است». پس از تفهیم اتهام به هر دو نفر، قرار تأمین (وثیقه) صادر شده و ضمناً براساس ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای هر یک «قرار نظارت قضایی» نیز صادر شده است؛ ازمجمله برای مقام دولتی ممنوعیت اشتغال در ادارات دولتی و برای مسئول شرکت خصوصی، ممنوعیت فعالیت در امور مدیریت و برگزاری رویدادهای ورزشی.

در اطلاعیه دادستانی آمده که با وجود «تذکرات قبلی مبنی بر لزوم رعایت قوانین و مقررات جاری کشور و همچنین اصول شرعی و عرفی و حرفه‌ای» در برگزاری ماراثن کیش، برگزارکنندگان به این تذکرات توجه نکرده‌اند و نحوه برگزاری رویداد به‌گونه‌ای بوده که «موجب خدشه‌دار شدن عفت عمومی شده است». سالمی‌زاده تصریح کرد که «با توجه به تخلفات صورت گرفته و براساس قوانین و مقررات، پرونده کیفری برای مسئولان و عوامل برگزارکننده این رویداد تشکیل شده است». او همچنین تأکید کرد که «دستگاه قضایی از فعالیت‌های ورزشی و

بهداشت

معمای استعفای معاون

سرپرست جدید، ماجرای زیرمیزی رئیس سابق وزارت بهداشت را نه تأیید کرد نه تکذیب

گروه اجتماعی: در روزهای اخیر، فضای بهداشت و درمان کشور تحت‌تأثیر جنجال اخلاقی و حقوقی در بالاترین سطوح وزارت بهداشت قرار گرفت. انتشار نامه‌ای غیررسمی اما پریزتاب در شبکه‌های اجتماعی، سیدجلیل حسینی، معاون آموزشی وزیر بهداشت را متهم به درخواست «زیرمیزی» به میزان ۵ سکه طلا از یک مادر محروم برای جراحی فرزندش در بیمارستان ایرانمهر کرد. این اتهام فارغ از صحت و سقمش، موجی از حساسیت عمومی را برانگیخت و تنها ساعاتی پس از انتشار با خبر استعفای ناگهانی دکتر حسینی به احتمال صحت ماجرا دامن زد. وزارت بهداشت تاکنون موضعی محتاطانه و توأم با ابهام اتخاذ کرده است. مقام‌های این وزارتخانه ضمن تأیید پذیرش «بلافاصله» استعفای معاون از تأیید یا رد صریح ادعای زیرمیزی خودداری کرده‌اند. علی جعفریان، سرپرست جدید معاونت آموزشی در اظهاراتی که بیشتر بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید، گفت: «حواشی مطرح شده... موضوع دیگری است که اگر جنبه حقوقی داشته باشد باید از مسیر خود پیگیری شود». او تأکید کرد

اجتماعی سالم حمایت می‌کند» اما در عین حال «با کوتاهی یا بی‌توجهی به ضوابط قانونی و شرعی، وفق مقررات برخورد خواهد کرد».

رویدادی برای رونق: ۵۰۰۰۰ دوندۀ و ۲۵۰۰۰۰ گردشگر

موضوع ماراثن کیش اما پیش‌تر با استقبال بی‌سابقه‌ای برگزار شده بود. بنا بر گزارش‌ها، روز جمعه ۱۴ آذرماه مسابقه دوی ماراثن ۵۰۰۰ نفری کیش با حضور ورزشکارانی از سراسر کشور در مسیرهای جداگانه ۱۵ و ۴۲ کیلومتر و در دو گروه بانوان و آقایان برگزار شد. مسئولان محلی اعلام کردند که بیش از ۲۵ هزار گردشگر برای شرکت یا تماشاى این رقابت وارد جزیره شدند و شواهد نشان می‌دهد، تعداد واقعی شرکت‌کنندگان «بیش از ۵ هزار نفر اعلامی» بوده است. آمارها حاکی از حضور حدود دو هزار زن و سه هزار مرد در این مسابقه بود و استانداردارد برگزاری آن در سطح بین‌المللی ارزیابی شد. مجری برگزاری مسابقه این رویداد را با «رویکرد همگانی و فضای خانوادگی» و «بر پایه نشاط اجتماعی» توصیف کرد. او افزود که ماراثن بزرگ کیش برای ایجاد فضای «سالم، ایمن و همگانی» برنامه‌ریزی شده و با توجه به غیررسمی بودن مسابقه صرفاً جنبه تفریحی و سلامت داشته است. بخش بانوان این ماراثن از ساعت ۵ صبح و بخش مردان آن از ساعت ۷:۳۰ برگزار شد تا تفکیک زمانی کامل صورت پذیرد. از سوی دیگر، گزارش‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های امداد و انتظامی (اورژانس، هلال احمر، آتش‌نشانی، پلیس و...) نیز در پشتیبانی مسابقه فعال بوده‌اند تا امنیت و سلامت شرکت‌کنندگان تضمین شود.



اولویت‌بندی غلط

انتشار تصاویر و ویدئوهای حضور گسترده بانوان در ماراثن کیش (با پوشش نسبتاً آزاد) که در مقایسه با سایر نقاط کشور کمی متفاوت بود، بهانه‌ای شد برای ورود تدروها و فدراسیون دوومیدانی که از قبل با برگزاری این رویداد دچار مشکل بودند. حامیان ماراثن کیش می‌گویند در شرایط فعلی جزیره کیش به‌عنوان منطقه آزاد اقتصادی، توسعه گردشگری و ورزش برای رونق بازار اولویت دارد. به‌نظر می‌رسد عده‌ای از تصمیم‌گیران بیش از آنکه به چارچوب توسعه کشور نگاه کنند، معطوف مسائل اخلاقی جزیی شده‌اند. هم‌زمان با بالا گرفتن فشارها بر برگزارکنندگان ماراثن کیش، موجی از واکنش‌های مثبت از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی منتشر شد؛ واکنش‌هایی که نشان می‌داد بخش بزرگی از افکار عمومی این رویداد را نه یک «مسئله امنیتی و اخلاقی»، بلکه فرصتی برای نمایش چهره‌ای شاد، طبیعی و امیدوار از ایران می‌دانند. کاربران بسیاری نوشتند که تصاویر ماراثن، روایت‌های رسانه‌های خارجی درباره «غیرعادی بودن زندگی در ایران» را به چالش کشیده است. به باور آنان، شادی و مشارکت هزاران زن و مرد از سراسر کشور، تصویری از جامعه امروز ایران ارائه می‌کند که با روایت‌های تیره و یک‌سویه فاصله دارد. آن‌ها برخورد با برگزارکنندگان را «زیر تیغ تدروها رفتن» و «اولویت‌بندی غلط» توصیف کردند. این در حالی است که مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور، دغدغه اصلی جامعه است و بسیاری از ورزش‌های

همگانی و رویدادهای تفریحی مانند ماراثن، نهایتاً به اقتصاد محلی آسیب نمی‌زند که موجب اشتغالزایی و تبلیغ ملی هم می‌شود. همان‌طور که مقام‌های کیش گفته‌اند، این ماراثن ۵ هزار نفری قرار بود «غیررسمی» باشد و بیشتر جنبه نمادین «شادکامی و نشاط اجتماعی» داشته باشد. تجربه کشورهایی مانند امارات و اروپا نشان می‌دهد، مسابقات دو استقامت گروهی (ماراثن) بخشی طبیعی از زندگی شهری و نقشی فرهنگی-اقتصادی دارند. تمرکز بر پوشش نامتعارف زنان دوندۀ در حالی که خود مسابقه، مجوزهای لازم را داشت و به اهداف عمومی (سلامت و اقتصاد) کمک می‌کرد از نگاه منتقدان انتخابی غلط در اولویت‌بندی بوده است.

توسعه کیش یا مقابله با مردم؟

این نوع برخورد قهری و قضایی با رویدادهایی که با استقبال گسترده مردمی و گردشگری روبه‌رو می‌شوند دقیقاً همان چیزی است که می‌تواند رویای «دوبی ایران» شدن کیش را تحت‌الشعاع قرار دهد. دوبی توانسته با ترکیبی از آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی نسبی، زیرساخت‌های مدرن و سیاست‌های جذب سرمایه، مسیر رشد جهانی خود را تثبیت کند، درحالی که کیش همچنان با فشارها و محدودیت‌های داخلی در آرزوی تحقق یک «منطقه آزاد واقعی» باقی مانده است. بسیاری از بانوان شرکت‌کننده در این ماراثن از شهرهای مختلف با هدف ورزش و نشاط به کیش آمده بودند و حضور آنها با حجاب متفاوت لزوماً به معنای «سازمان‌یافته مروج بی‌عفتی» نیست؛ بلکه بازتابی از وضعیت پوشش در بخش‌هایی از جامعه امروز ایران است که با برخورد قضایی و بگیر و ببند، حل نخواهد شد. همان‌طور که در ماه‌های اخیر تأکید شده، برخورد با حجاب نامتعارف نباید قهری باشد. اغلب تحلیلگران معتقدند، وظیفه مسئولان ارجح حفظ خط‌مشی توسعه و رونق جزیره کیش است؛ به خصوص آنجا که برگزاری سالم و خانوادگی ماراثن می‌توانست، فرصت خوبی برای معرفی ظرفیت‌های «آزاد» این منطقه محسوب شود. از این منظر، رخدادهای ورزشی در جزیره زیادی کیش همچون گردونه‌ای امید و نشاط اجتماعی‌اند که سزاوار حمایت و گسترش هستند، نه نقطه ضعفی که با رویکردهای سخت‌گیرانه به بحث‌های جناحی تبدیل شوند.

شهر

هوای «فاسد» پایتخت

پزشکان تأکید می‌کنند که توصیه‌های تغذیه‌ای و دمنوش‌ها تنها مسکن‌اند

آلودگی هوا در ایران دیگر یک معضل فصلی یا گذرا نیست بلکه به بحرانی ساختاری بدل شده که هر ساله با نمودهای تازه، قربانیان خاموش بیشتری می‌گیرد. در چنین فضایی، هشدارهای پزشکی – از طب نوین تا طب ایرانی – نه فقط جنبه درمانی بلکه نقش «زنگ خطر سیاستی» پیدا می‌کنند. سخنان اخیر علیرضا یارقلی، متخصص طب ایرانی، نیز در همین چارچوب قابل‌توجه است؛ او آلودگی هوا را عاملی برای التهاب راه‌های تنفسی، اختلال عملکرد ریه، افزایش چسبندگی پلاک‌ی و بالا رفتن ریسک سکته قلبی و مغزی می‌داند؛ نکاتی که در هماهنگی کامل با یافته‌های علمی جهانی است و نشان می‌دهد این بحران، مرزهای طب‌های مختلف را نمی‌شناسد.

یارقلی تأکید می‌کند که کودکان، سالمندان، بیماران قلبی-ریوی و زنان باردار گروه‌هایی هستند که بیشترین آسیب را دریافت می‌کنند؛ گروه‌هایی که اتفاقاً کمترین قدرت تصمیم‌گیری درباره کیفیت هوای پیرامون خود دارند. در متون طب ایرانی، از هوای آلوده با عنوان «هوای فاسد» یا «هوای غلیظ» یاد شده؛ هوایی که حرکت طبیعی‌اش مختل شده و می‌تواند بدن را به سمت سودا، خشکی و التهاب بیشتر سوق دهد. اگرچه این تعبیر با زبان طب سنتی ارائه می‌شود اما پیام آن مشترک است: آلودگی هوا حرارت بدن را غیرطبیعی، خواب را مختل و بار قلب و ریه را سنگین‌تر می‌کند. بخش قابل‌تأمل این نگاه، تأکید بر «مدیریت‌پذیری» آسیب‌هاست؛ از رقیق کردن اخلاط و مرطوب‌سازی مجاری تنفسی گرفته تا مصرف خوراکی‌هایی مانند شلغم‌پخته، گلابی بخارپز، سوپ‌های رقیق، آبجوی رقیق و دمنوش‌هایی چون عسب، پنیرک، گل‌خمنی یا به‌لیمو. حتی هشدارها درباره پرهیز از برخی گیاهان – مانند اسطوخودوس برای مبتلایان آسم یا زنجبیل برای افراد گرم‌مزاج – نشان می‌دهد که نسخه واحد برای همه وجود ندارد. اما این توصیه‌ها هر چقدر هم علمی یا مبتنی بر تجربه باشند یک حقیقت را نمی‌پوشانند: هیچ دمنوشی جایگزین سیاست عمومی کارآمد نمی‌شود. وقتی ذرات معلق PM۲٫۵ و PM۱۰ از مرزهای استاندارد عبور کرده‌اند، وقتی وارونگی دما هر سال به‌پیش‌درآمد زمستان بدل می‌شود و وقتی شبکه هشدار آلودگی هوا عملاً به‌سازوکاری منفعل تبدیل شده، نسخه‌های خانگی تنها نقش «آهسته کردن آسیب» را بازی می‌کنند، نه رفع آن را. توصیه طب ایرانی به کاهش تردد گروه‌های حساس، استفاده از ماسک N۹۵، پرهیز از فعالیت ورزشی در فضای باز و رطوبت‌دهی محیط خانه در کنار هشدارهای پزشکی نوین تصویر واحدی می‌سازد: بحران آلودگی هوا نه فقط یک تهدید جسمی بلکه یک چالش مدیریتی و زیست‌محیطی است.

مناطق محروم برای درمان آمده است، رحم نمی‌کند و از او درخواست سکه می‌کند، می‌توان انتظار داشت که منافع ملی را دنبال کند؟» در مقابل، برخی چهره‌های دیگر این ادعا را مورد تردید قرار داده‌اند. رضا جباری، عضو کمیسیون بهداشت مجلس، این ادعا را «فاقد هرگونه سند» خواند و ادعا کرد، بررسی‌ها نشان داده است که «هیچ اقدام، بستری یا رویداد واقعی» در مورد بیمار مورد نظر رخ نداده و این نامه «مصدق نهمت» است. همچنین رضا لاری‌پور، معاون سابق نظام پزشکی ضمن دفاع از سوابق درخشان دکتر حسینی، تأکید کرد که چنین نامه‌هایی «وجاهت قانونی ندارد» و استعفا می‌تواند، دلایل متعدد دیگری داشته باشد. لاری‌پور همچنین ریشه این پدیده را به یک معضل ساختاری درمانی ارجاع داد: ناواقعی بودن تعرفه‌های درمانی و تأخیر مزمن بیمه‌ها در پرداخت مطالبات پزشکان. به گفته او مادامی که دولت تعرفه‌های واقعی خدمات را اعلام نکند و پرداخت‌ها به موقع نباشد، پدیده زیرمیزی (که وی آمار مرتکبین به آن را کمتر از ۳،۵ درصد پزشکان می‌داند) در نظام سلامت دوام خواهد داشت.

آگهی فراخوان مناقصه

شرکت آب و فاضلاب استان کردستان در نظر دارد پروژه های ذیل را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید.

ردیف	کد مناقصه	عنوان پروژه	مبلغ بر آورد اولیه (ریال)	مدت اجرا	محل تأمین اعتبار	مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه	نوع مناقصه	شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران
						مبلغ (ریال)	انواع تضمین	
۱	۲۲۵-۱۴۰۴	عملیات باقیمانده ابنیه، تهیه، حمل،راه اندازی تاسیسات و تجهیزات مکانیکی و الکتریکی و بهره برداری یکساله تصفیه خانه فاضلاب روستای خامسان ۲۲۵-۱۴۰۴	۲۴۶,۸۶۶,۱۷۵,۲۴۰	۲۴ ماه	طرح های عمرانی	۱۲,۳۴۴,۰۰۰,۰۰۰	ضمانت نامه بانکی، سپرده نقدی، اوراق مشارکت	عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی

محل دریافت اسناد مناقصه:						سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس setadiran.ir			
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد ایران:	از:	روز:	سه شنبه		مورخ:	۱۴۰۴/۰۹/۱۱			
	تا:	ساعت:	۱۹	روز:	دوشنبه	۱۴۰۴/۰۹/۱۷			
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد قیمت:	ساعت:		۱۹	روز:	دوشنبه	۱۴۰۴/۱۰/۰۱			
آدرس مناقصه گزار:	ساعت:		۱۰	روز:	سه شنبه	۱۴۰۴/۱۰/۰۲			
سندج، خیابان امام، استانداری، بالاتر از بل کهانگر، جنب پست بانک، شرکت آب و فاضلاب استان کردستان، کد پستی: ۶۶۱۳۹۱۵۴۷۱، تلفن: ۳۱۰۴۲۰۰۰-۳۳۱۵۰۸۱۵-۰۸۷، فکس: ۳۳۱۷۷۶۷۱-۰۸۷)									
مهلت تحویل پاکت الف (ضمانت نامه شرکت در مناقصه):	پایان وقت اداری روز:		دوشنبه		مورخ:	۱۴۰۴/۱۰/۰۱			
محل تحویل پاکت الف (ضمانت نامه شرکت در مناقصه):	دفتر امور قراردادها								

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی‌هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۴۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

مدیرعامل آب و فاضلاب گلستان:

نیروی انسانی

بزرگ‌ترین سرمایه استان است

گرگان: مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب گلستان در آئین تکریم و معارفه مدیر حراست شرکت آب و فاضلاب استان بر لزوم توجه ویژه به نیروی انسانی و استفاده از متخصصان در این حوزه تأکید کرد. ابوالفضل رحیمی در حاشیه این جلسه با بیان اینکه ۴۷/۵ درصد از جمعیت استان گلستان روستایی هستند، افزود: ما سومین استان پرجمعیت روستایی کشور هستیم اما متأسفانه با وجود اینکه ۳۶ درصد امنیت غذایی کشور از این استان تأمین می‌شود، خود استان از خدماتی که تولید می‌کند، بهره‌مند نیست. وی همچنین به چالش‌های نیروی انسانی در استان اشاره کرد و گفت: نیروی انسانی بزرگ‌ترین سرمایه کشور است. باید از نیروهای متخصص با سواد و با تجربه در این حوزه بهره‌برداری کنیم تا بتوانیم خدمات بهتری به مردم استان ارائه دهیم. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان در ادامه اظهار کرد: با تلاش همکاران و برنامه‌ریزی‌های جدید، اقدامات خوبی در جهت افزایش درآمد و کاهش هزینه‌ها انجام شده است. همچنین کارگروه‌های ویژه‌ای برای بهبود شرایط و ارتقای خدمات به‌ویژه در بخش فنی و خدمات مشتریان تشکیل شده‌اند. وی با بیان اینکه خدمات آب و فاضلاب باید در بهترین شرایط نگهداری شوند، تأکید کرد: هدف ما این است که با استفاده از نیروی انسانی متخصص و پشتیبانی مناسب، چرخه مدیریتی استان را به‌درستی هدایت کرده و خدمات مطلوبی را به مردم ارائه دهیم. در ادامه این مراسم توشه‌جو، معاون حراست وزارت نیرو به اهمیت حفاظت از دارایی‌های مادی و معنوی و نقش پیشگیرانه حراست در سازمان‌ها اشاره کرد و گفت: حفاظت از افراد و تأسیسات در سازمان‌ها، مسئولیتی خطیر است که نیاز به پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع حوادث دارد. حراست باید همیشه آماده باشد و با کوچک‌ترین اتفاقات یا اخبار، خود را به صحنه رسانده و اقدامات لازم را انجام دهد. توشه‌جو با تأکید بر اینکه برای انجام وظایف حراستی، اخلاق‌مداری، عدالت و رعایت امانت از اصول اساسی است که باید در تمام امور اداری و سازمانی مدنظر قرار گیرد، افزود: باید در نظر داشته باشیم که مردم و همکاران از ما انتظارات بالایی دارند و ما باید در راستای خدمت به کشور و ملت این خدمات را با بهترین کیفیت ارائه دهیم. وی همچنین به لزوم مبارزه با فساد در سازمان‌ها اشاره کرد و گفت: بهترین راه برای مبارزه با فساد از بین بردن زمینه‌های آن است بنابراین در حراست و سایر ارکان سازمان باید شرایطی ایجاد کنیم که از بروز فساد جلوگیری شود. معاون حراست وزارت نیرو با تقدیر از زحمات مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان به جهت برگزاری این مراسم قدردانی کرد و گفت: آرزوی موفقیت برای مدیر جدید شرکت و همه همکاران وزارت نیرو دارم. در ادامه جلسه میکانیل حسینی، مدیرکل حراست شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور نیز به لزوم آماج‌دگی دائمی و حفاظت از تأسیسات حیاتی کشور اشاره کرد و گفت: حراست به‌عنوان خط مقدم در برابر تهدیدات و مشکلات امنیتی، مسئولیت حفاظت از تأسیسات و دارایی‌های سازمان‌ها را بر عهده دارد و باید به‌طور دائم، آماده واکنش باشد. حتی در شرایط عادی نیز همکاران ما باید در حالت آمادگی قرار داشته باشند تا از هرگونه آسیب به تأسیسات جلوگیری کنند. حسینی به مسائل نیروی انسانی و چالش‌های موجود در این بخش پرداخت و افزود: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات شرکت‌ها، نیروی انسانی مازاد و عدم تطابق تخصص‌های کارکنان با نیازهای واقعی سازمان‌هاست. این وضعیت به شدت در عملکرد و بهره‌وری شرکت‌ها تأثیر گذاشته است و به ضرر سازمان‌ها تمام می‌شود. وی ادامه داد: ما در حال استفاده از مدل‌های علمی و تخصصی هستیم تا از توانمندی‌های موجود در نیروی انسانی به‌درستی بهره‌برداری کنیم و بتوانیم، مشکلات موجود را حل کنیم. مدیرکل حراست شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور همچنین به نقش تغییرات مدیریتی در بهبود وضعیت سازمان اشاره کرد و گفت: در دوران جدید مدیریتی که در شرکت آغاز شده است، امیدواریم که با استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جدید، تحول مثبتی در شرکت ایجاد شود چراکه این تغییرات می‌تواند در آینده باعث بهبود شرایط و کاهش مشکلات نیروی انسانی و اجرایی سازمان شود.

نوبت اول

شناسه آگهی ۲۰۶۳۴۰۶

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی فشرده

شرایط متقاضیان:

کلیه شرکت های توانمند می بایست:

- ۱) دارای شخصیت حقیقی و حقوقی
- ۲) دارای امکانات و تجهیزات و توانایی تخصصی
- ۳) دارای رتبه حداقل ۵ تأسیسات و تجهیزات از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری
- ۴) دارای گواهینامه صلاحیت معتبر به منظور ارزیابی کیفی
- ۵) احراز حداقل امتیاز ۶۰ بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی
- ۶) احراز امتیاز ۶۰ در ارزیابی کیفی
- ۷) دارای گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر
- ۸) ارائه خلاصه سوابق کاری مرتبط با موضوع مناقصه در زمینه طراحی و اجرای برج های نوری
- ۹) ارائه تصویر اساسنامه شرکت، تصویر آگهی ثبت شرکت با آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، تصویر کد اقتصادی
- ۱۰) کلیه مستندات ارائه شده درمناقصه میبایستی اصل و یا برابر اصل باشند.
- ۱۱) کسب حداقل ۳۰ درصد از امتیاز توان مالی
- ۱۲) مستندات مربوط به اطلاعات مندرج در فرم های ارزیابی از قبیل تجربه، حسن سابقه، توان مالی، توان تجهیزاتی و... معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران بوده و اهمیت وزنی آنها مطابق با روش اجرایی ارزیابی کیفی مناقصه گران و به شرح مندرج در اسناد مربوطه می باشد.

همچنین مزید اطلاع اینکه: صرفاً پذیرش اسناد الکترونیکی پاکت های (ب) و (ج) و اسناد ارزیابی کیفی مجهز به امضای الکترونیکی صاحبان امضای مجاز مورد پذیرش واقع می گردد و اسناد فیزیکی (کاغذی) و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نیست. * با توجه به تجدید مناقصه با هر تعداد پیشنهاد نرخ بازگشایی صورت می گیرد.

نگاه نگران نسل‌های آینده را با مصرف بهینه منابع طبیعی به آرامش تبدیل کنیم

م الف ۲۹۸۰

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زاهدان

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۹۱۵) جمعی

فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۶- تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۵۱٫۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۰» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غارتی (حسین)بیرانوند»

۷- تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۱۶۴٫۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۴» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۸- تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۵۰۲٫۴۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۱» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۹- تقاضای «آقای صید میرزا دهقانی» فرزند «علی میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۷۳۵٫۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۵۲۷» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۱۰- تقاضای «آقای نادر افشار مهر» فرزند «عسگر» نسبت به «۱۴۲٫۰۴۷۳» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ زمین مزروعی»و «خانم منصوره پاخیره زن»

فرزند «عسگر» نسبت به «۶۱٫۴۴۵۸» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ زمین مزروعی»و «خانم مهوش پاخیره زن» فرزند «عسگر» نسبت به «۳۰٫۷۲۲۹» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ زمین مزروعی»و «خانم شهرزاد پاخیره زن»

فرزند «عسگر» نسبت به «۳۰٫۷۲۲۹» سهم مشاع از ۴۸۰ سهم ششدانگ زمین مزروعی»بمساحت «۴۲۱۵۰٫۱۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۹» فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عسگر

پاخیره زن»

فرشاد بازوندی نژاد – رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد

شناسه آگهی ۲۰۶۵۱۴۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ ۷۴۹

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ – تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۷۳٫۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۰» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۲- تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۰۱٫۷۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۲» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۳- تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۷٫۱۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۱» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه « غارتی (حسین)بیرانوند»

۴ – تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۰۵٫۳۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۳» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۵» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۵ – تقاضای «آقای ابراهیم فعلی» فرزند «گل میرزا» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۱۸۹٫۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۰۹»

@saazandeginews

saazandeginews

www.saazandegi.ir

سازندگ